

۳ شیوه عمده برای خارج کردن آمریکا از زیر صربه

آزادسازی مردم



از نجات مادی و معنوی، از یک زندگی انسانی برخوردار باشند، بیخ کرد.
کلید موفقیت و پیروزی در جبهه نبرد نوسازی است که در برابر یقه در صفت ۲

امریالیسم آمریکا - دشمن اصلی انقلاب ما، خلق ما، کشور ما، استقلال ما، آزادی ما، هستی ما است. امریالیسم آمریکا - دشمن اصلی ما بوده و هست و خواهد بود. امریالیسم آمریکا - دشمن اصلی ما و همه خلقهای جهان است. این واقعیت است و تکرار مکرر این واقعیت نه فقط زائد نیست، بلکه لازم و ضروری است، زیرا با تکرار این واقعیت، با توضیح هر چه وسیعتر و عمیقتر مفهوم آن در بین توده های میلیونی خلق، با تشریح این حقیقت که مسبب اصلی مصائبی که در دوران رژیم دستنشانده پهلوی بر سر خلق ما آمده، آمریکا بوده و منشأ اصلی دشواریهای بزرگ و کوچکی که اکنون خلق ما دچار آنست، از امریکاست، با تشریح این سخن امام خمینی که «تمام گرفتاریهای ما از امریکاست»، با افشای کامل آمریکا بعنوان دشمن اصلی خلق ما، خلقهای منطقه و خلقهای همه کشورهای جهان، میتوان نیروی عظیم و بی پایان خلق قهرمان و ایثارگر ایران عزیز را برای مبارزه در راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب، در راه غلبه بر مشکلات، در راه دسترسی به پیروزیهای قلمی و نهائی انقلاب، در راه نوسازی کشور، در راه ساختن ایرانی مستقل، آزاد و آباد که در آن زحمتکشان

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال سوم، شماره ۴۹۲ - شماره ۱ اردیبهشت ۱۳۶۰
مطابق با ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۶۰ - شماره ۱۵۰ ریال

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به یاسر عرفات

بمناسبت انتخاب مجدوی به ریاست کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین

دوست گرامی و ارجمند یاسر عرفات! از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران، انتخاب دوبار شما را به ریاست کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین، صمیمانه شادباش میگویم. اجلاس شورای ملی فلسطین در دمشق بار دیگر بنیوت رسائید که جنبش مقاومت فلسطین، با شناخت درست از دشمنان و دوستان بین المللی انقلاب فلسطین، بیش از پیش عزیمت آن دارد تا بمبارک دوست گرامی و ارجمند یاسر عرفات را به ریاست کمیته مرکزی حزب توده ایران، انتخاب دوبار شما را به ریاست کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین، صمیمانه شادباش میگویم. اجلاس شورای ملی فلسطین در دمشق بار دیگر بنیوت رسائید که جنبش مقاومت فلسطین، با شناخت درست از دشمنان و دوستان بین المللی انقلاب فلسطین، بیش از پیش عزیمت آن دارد تا بمبارک

تیز مخالفت قطع خود را با هرگونه راه حل جسداکنانه و دسیسه خودمختاری اعلام نمیداریم و از مبارزه شما در راه دستیابی به حقوق حقه خلق فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت خویش و تشکیل حکومت مستقل فلسطین، کاملاً پشتیبانی میکنیم. موفقیت های بیشتر سازمان آزادیبخش فلسطین، و شخص شما را در این مبارزه آرزو مندیم. کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کیانوری

امریکا پاکستان را مسلح میکند

پس از سقوط شاه ملون در ایران، نقش پاکستان در سیاست معادلات سیاسی امریالیسم بسیار افزایش یافته است. حلقه واسطه بین امریالیسم آمریکا و متفانش از یکسو و برتری جوان چینی از سوی دیگر است.

و تسلیحات بیشتری برای پاکستان بکشد. وی هنگام زیمیت به واشنگتن، در فرودگاه کراچی به خبرنگاران گفت که در مذاکراتش با رهبران آمریکا تقاضا خواهد کرد که امریکا مقادیری بیش از سابق اسلحه به پاکستان بدهد. تردیدی نیست که امریکائیان این تقاضا را با روی گشاده خواهند پذیرفت، مخصوصا اگر اختیارات مرستان سعودی پشتوانه مالی این تقاضا باشد.

خبرگزاریها اطلاع دادند که آقای شاه، وزیر امور خارجه پاکستان، بسوی واشنگتن روانه شد. سفر وی بسوی قیله ارتجاع جهانی هدفی جز توطئه بر ضد

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان

بمناسبت سی و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب سوسیالیست متحد آلمان

رفقای گرامی، کمیته مرکزی حزب توده ایران سی و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب سوسیالیست متحد آلمان را به شما و از طریق شما، به همه اعضای حزب پراختیارتان و زحمتکشان جمهوری دمکراتیک آلمان صمیمانه شادباش میگوید. حزب سوسیالیست متحد آلمان، که در آوریل ۱۹۴۶ برپایه وحدت حزب کمونیست آلمان و فدرال حزب سوسیالیست آلمان پایه گذاری شده، نتیجه منظر پیروزی جهانشمول و تاریخی بر فاشیسم بود که اتحاد شوروی در آن نقش تعیین کننده را داشت. این رویداد مترک همچین واکنش بیازنده در برابر درسی بود که جنبش کارگری آلمان از پیامدهای خائنانه و ترقه امریالیسم و اپورتونیزم آفریده در صفوف خود فراموخته بود. تنها امریالیسم و اپورتونیزم بود که از این ترقه دیرینه و دردناک در میان طبقه کارگر سود میبرد.

دکتره وحدت برلین، در سال ۱۹۴۶، که در آن وحدت طبقه کارگر، بر پایه انقلاب، برقرار شد، چرخش بزرگ در تاریخ خلق و زحمتکشان آلمان پدید آورد. حزب سوسیالیست متحد آلمان، در دهه های اخیر خلق جمهوری دمکراتیک آلمان را از سرزمینی ویران به کشور سوسیالیستی شکوفا و رفقا و رهبر بوده است. کنگره دهم حزب سوسیالیست متحد آلمان، که چند روز پیش در پایتخت کشور شما پایان یافته، از یکسو دستاوردهای چشمگیر جمهوری دمکراتیک آلمان را در همه گستره های زندگی اجتماعی نشان داد و از سوی دیگر نمایانگر هبستگی و پیوند نزدیک حزب شما با زحمتکشان و همه خلق جمهوری دمکراتیک آلمان بود. ما این جشن فرخنده را بزرگتر و پرمشامه صمیمانه شادباش میکنیم و پیروزیهای بیشتر خلق و زحمتکشان جمهوری دمکراتیک آلمان را، بر رهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان آرزو مندیم.

با درودهای رفقا، کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کیانوری

پس از سقوط شاه ملون در ایران، نقش پاکستان در سیاست معادلات سیاسی امریالیسم بسیار افزایش یافته است. حلقه واسطه بین امریالیسم آمریکا و متفانش از یکسو و برتری جوان چینی از سوی دیگر است.

انبار بزرگ مهمات تجاوزگران صدامی به آتش کشیده شد

نبرد دلیرانه رزمندگان قهرمان ایران در سراسر جبهه های جنگ علیه تجاوزگران صدامی ادامه دارد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، با انتشار اعلامیه شماره ۴۳۳، خلاصه ای از رویدادها و عملیات نیروهای قهرمان ایران را منتشر کرد. در این اعلامیه از جمله آمده است: جبهه های جنوب قهرمانان جان برکف ما در روز جاری در عملیات تهاجمی علیه قوای دشمن هفت تا ده دوخودرو و یک انبار مهمات دشمن را در منطقه کرخه نابود کردند. در این نبرد رویاروی ضربات مهلکی به تجاوزگران وارد شد از جمله بیش از یکصد نفر از سربازان عراقی به هلاک رسیدند و پنجاه تن از افراد فریب خورده صدام به اسارت درآمدند. روز گذشته نیز در اثر اجرای آتش توپخانه نیروی زمینی بر روی مواضع دشمن در همین جبهه تلفات و خسارات قابل - یقه در صفت ۸

پس از سقوط شاه ملون در ایران، نقش پاکستان در سیاست معادلات سیاسی امریالیسم بسیار افزایش یافته است. حلقه واسطه بین امریالیسم آمریکا و متفانش از یکسو و برتری جوان چینی از سوی دیگر است.

کارگران و زحمتکشان ایران جشن اول ماده را هر چه با شکوه تر برگزار کنید

● در روز بزرگ اول ماه مه، خاطره جاودانه شهدای انقلاب و جنگ علیه تجاوزگران صدامی، مبارزان راه طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و جهان را گرامی می داریم. خاطره میلیونها و میلیونها شهید و شکتیدیده و زیر کشیده را در دفاع از حقوق زحمتکشان در سراسر جهان را گرامی می داریم و به همه کسانی که در سراسر جهان در این راه مبارز می کنند، درود می فرستیم.

درد گرم و پر شور ما به همه رزمندگان قهرمان جبهه های جنگ در جنوب و قرب کشور، که در دفاع از میهن انقلابی و حمله می آفرینند و زمین ساز تشبیه، تحکیم و تعیین انقلاب بسود توده های محروم و زحمتکش آنان.

افتخار به پروتاریای آبادان، خونین شهر، اهواز و دزفول و دیگر زحمتکشان شهرهای خط پیشین جبهه جنگ، که با ایزاز قهرمانی، در کنار برادران خود در تیروهای مسلح، عزم و اراده طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران را در دفاع از دستاوردهای انقلاب به شایسته ترین وجه به نمایش گذاشته و می گذارند.

سیاس بیکران به مردم زحمتکش ایران در سراسر کشور، که با تلاش شایسته روزی خود در پشت جبهه، مواضع اقتصادی، نظامی و سیاسی میهن را تقویت می کنند، از انقلاب عظیم و شکوهمند خود (از پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت اول ماه مه)

با تمام نیرو پشتیبانی نمی نمایند و موجبات تحکیم استقلال، آزادی و تعمیق و گسترش انقلاب را فراهم می آورند.

● گرانی روز افزون و طاقت فرسا، تعادل بین دستمزد و حقوق و هزینه زندگی زحمتکشان را بطرز فاحش برهم زده است. گرانی به معنی واقعی کلمه پیدایمی کند. کارگران و زحمتکشان می خواهند با اقدامات قاطع قیمت ها پائین آورده شود و تعادل لازم بین دستمزدها و حقوق و هزینه زندگی برقرار گردد. اقدامات قاطع دولت در زمینه ملی کردن بازرگانی خارجی، کوتاه کردن دست تجار عمده، متحرکین و واسطه ها از شبکه توزیع، از پشتیبانی کلیه مردم برخوردار است.

تعمیل لرو تا ز راه تعیین مالیات های تصاعدی مستقیم از اهرم های جدی بیبود وضع اقتصادی اجتماعی بسود زحمتکشان است. مردم می خواهند مجلس شورای اسلامی ایران و دولت انقلاب با تنظیم بودجه انقلابی و مردمی گامهای جدی در این زمینه بردارد.

● صلح میانیتکار، که اینک در سرایشی شکست قرار گرفته، بیش از پیش بزرگ سلطه امریالیسم و ارتجاع منطقه میگذرد و آلت دست توطئه های جنایت بارتر نظامی علیه ایران قرار گرفته است. با تجهیز همه تیروها و راندن متجاوز از خاک خود، جنگ تحمیلی را پیروز مندانه به پایان برسانیم.

رای مبارزه با امریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

آمریکا پاکستان را...

بقیه از صفحه ۱

و هر دو طرف برای نگاهداری این حلقه میکوشند. حفظ «دیتا» در پاکستان، همان بقای آن که شاه ملعون در ایران برقرار کرده بود، بهترین هدف سبب سیاستهای امپریالیستی-ماتویستی در منطقه است.

آمریکائیان همبند کرده اند تا حدود یک میلیارد دلار سلاح به پاکستان بدهند. چینیها نیز، به اعتقاد ضیاعالحق، برای پاکستان حساب نامحدود باز کرده اند. عربستان سعودی، بحرمانه صد میلیون دلار بعنوان کمک به «مبارزان» افغانی به پاکستان میبخشد.

همزمان با سفر آقایان به واشنگتن، تاجی نخست وزیر انگلستان نیز به ریاض رفت، که در چند روز این کشورها و نفتی که هر یک از این دولتها بر ضد جنبشهای انقلابی بایدهمبند بگردند یا مقامات عربستان سعودی گفتگو کند و توطئه های ضد انقلابی را در منطقه هاشک سازد.

بدینسان واشنگتن، لندن، پاریس، تل آویو، قاهره، ریاض، اسلام آباد، بغداد و پکن همه دست بدمت هم داده میخوانند شکافی را که در سیستم سرمایه داری جهانی، پس از انقلاب ایران و افغانستان در این منطقه بوجود آمده است، بوسیله پاکستان و دولت های مترجم عرب پر کنند. تلاش امپریالیسم برای تشکیل یک پیمان ضدانقلابی و تجاوز-کارانه بدون سر و صدای بجای پیمان سنتو، یا شدت ادامه دارد.

پاکستان - حلقه ضعیف

امپریالیسم در منطقه

امپریالیست ها، بسرکردگی آمریکا و همچنین برتری جوان چینی میخوانند بحیال خود ساز تکرار واقعه سقوط شاه ملعون جلوگیری کنند، زیرا وضع در پاکستان از بسیاری جهات نظیر ایران است. سرمایه های خارجی در آن کشور نیز مانند ایران امریکایی اصلی اقتصاد را در دست دارند. دیکتاتوری ضیاعالحق، عینا مانند دیکتاتوری شاه ملعون، آزادی را از همه کس سلب کرده است. این دیکتاتوری بخصوص از آنچه ترسناک تر و نفرت انگیزتر است که بنام «اسلام» انجسام میگردد علاوه بر این، وضع اقتصادی پاکستان مراتب از ایران شایسته تر، که در آمد نفت به قریاض میرسد، و خنجر است. فاصله بین فقر و ثروت بیست و در پاکستان از افراطی میاید، خلاصه آنکه پاکستان، پس از ایران، ضعیف ترین حلقه سیستم سرمایه داری جهانی در این منطقه است و اگر این حلقه نیز بشکند، کار امپریالیست ها زار است و کار دولت های مترجم عرب منطقه از آسم زارت.

درک خطری که از این ناحیه متوجه دولت های امپریالیستی غارتگر نفت و ملوک شیوخ مترجم عرب است، این سوالات را در گرد هم آورده است. سرنگونی رژیم ضیاعالحق در عین حال یک فاجعه سیاسی برای برتری جوان چینی است، که میخواهند از پاکستان بعنوان پایگاهی علیه هند و ایران و افغانستان و اتحاد شوروی استفاده کنند. پاکستان بدلیلی

۳ شیوه عمده...

بقیه از صفحه ۱

خلق و کشور ما گشوده شده، شناخت امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا - دشمن اصلی و همیشگی، از سوی توده های میلیونی شهر و روستا، و ریزه های این شناخت، بیخ نیروی تمام خلق در این جنبه سرنوشتم ساز، در این نبرد حیاتی و ممانی با آمریکا، با متحدان گوشه فرمان او، با نیروهای طرفدار او، با پایگاه های اقتصادی - اجتماعی او در درون کشور است.

محور تبلیغات انقلابی جمهوری اسلامی ایران باید اقله و شناساندن امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا باشد. اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید مبارزه با آمریکا، با امپریالیسم بسرکردگی آمریکا، با امپریالیسم آمریکا و متحدانش باشد.

پایه اصلی سیاست داخلی جمهوری اسلامی ایران باید براندازی سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی، ریشه کن کردن بازمانده های نفوذ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، فرهنگی امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، ایجاد سد غیرقابل عبوری بر سر راه نفوذ مجدد این شیطان بزرگ باشد.

دشمن اصلی آمریکاست و بنابراین سمت اصلی مبارزه، مبارزه در همه زمینه ها، باید علیه آمریکا باشد. این سمت اصلی مبارزه را باید حفظ کرد، تقویت کرد، تداوم بخشید.

باید همواره متوجه بود که آمریکا، بوسیله ایادی خود، بوسیله ضدانقلاب داخلی، سعی مداوم دارد که مبارزه خلق ما را از این سمت اصلی منحرف کند. این گوشش مداوم تبلیغاتی - سیاسی آمریکا را باید عقیم کرد. همچنین هستند هنوز نیروهای در داخل کشور که مخالف تصحیح بیشتر انقلاب و حتی خواستار بازگشت آمریکا از پنجره هستند. اینان نیز سعی دارند آمریکا را از زیر ضربه خارج کنند. گوشش اینان را نیز باید عقیم کرد. و نیز هستند هنوز نیروهای ناآگاهی که، علی رغم خواست بلطنی خود، که ریشه کن کردن نفوذ آمریکاست، در عمل سمت مبارزه بر ضد آمریکا را گم میکنند. اینان را باید با آفتاب بیشتر آمریکا و خنده گری های مستقیم و غیرمستقیم او، با اثبات اینکه راه حل همه مشکلات مبارزه با آمریکاست، از گمراهی به بزرگ راه مبارزه اصلی رهنمون سازد.

امپریالیسم آمریکا، ایادی و عمال او، ضدانقلابیون داخلی، مستظرفین، فمال و یا غیرفعال بازگشت آمریکا از پنجره، همه دلزدگان از انقلاب، که برای زندگی دوران گذشته آمیخته اند، بدرجات مختلف و شیوه های مختلف، سعی دارند امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج کنند. مبارزه انقلابی را از سر ضد امپریالیسمی منحرف کنند.

همه آنها می بینند و میدانند که جو حاکم در کشور ضد امپریالیسمی، ضد امپریالیسم بسرکردگی آمریکا است، از اینرو آنها نمی توانستند

خبات ضیاعالحق رنگ داسلامی، بخود میگردد. همکاری او با امپریالیسم و گرفتن سلاح از آنها برای دفاع از داسلام، در برابر دولت «کافر» هند است. سیاست ضد شوروی او مبارزه داسلام بر ضد داکفر و الهاد جهانی است. او بخاطر داسلام به راهزنان افغانی برای آنتی-زندن مدارس و کشتار زنان و کودکان سلاح میدهد و همین داسلام است که ضیاعالحق و ملک خاند و سایر مروجان منطقه را در کنار هم و همه آنها را زیر سرپوش امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، قرار میدهد. «داسلام» ضیاعالحق با اسلام انقلابی فرستکا فاصله دارد. آقای ضیاعالحق از همین «داسلام» به نمایندگی برای توطئه بر سر ضد کشورها، در جنبشهای انقلابی منطقه به واشنگتن می رود و برای کمک به تقویت همین «داسلام» است که هیگ، کارینگتون و لجر دیگر مقامات بلند پایه دولتهای امپریالیستی می در پی به عربستان سعودی و شیخ نشین ها و پاکستان و سایر دولتهای مترجم منطقه در رفت و آمدند.

باید برای مقابله با توطئه امپریالیسم در پاکستان آماده بود

پاکستان بعنوان یک حلقه واسطه بین امپریالیسم، رژیم های مترجم منطقه و برتری جوان چینی نقش تخریبی فوق العاده خطرناکی را ایفا کرده است. اکنون پاکستان یکی از مراکز توطئه های ضدانقلابی در منطقه است. نقش تخریبی پاکستان در منطقه بخصوص بدلیل دعوی «داسلامیت»

بمطرفداری از آمریکا زبان بکشایند، و لذا به شیوه های مختلف از خود را تقویت میکنند، و شیوه های سه گانه زیرین، عمده ترین آنها است. شیوه نخست حادثه سازی، بزرگ کردن مسائل فرعی، ایجاد تنش، ناامنی و فضای سلسله برای دامن زدن به این مسائل است. هدف این شیوه، که بر تنگنا و طرق گوناگون بکار بسته میشود به خود مشغول کردن نیروهای انقلابی، انحراف توجه مردم از آمریکا است. این شیوه کار بسیار موزیانه ای است که نیروهای کم تجربه پندام آن می افتند و لذا وظیفه انقلابی نیروهای مجرب سیاسی است که این شیوه عمل را، ببردگی جلوه گر شود، اقتضا کنند و بسا افشاکاری مداوم اشکال مختلف آن، هشدار می مردم را در سطح عالی نگاهدارند، تا سمت اصلی مبارزه - مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا را گم نکنند.

شیوه دوم دامن زدن و بهره برداری از افسانه خطر کمونیسم و خطر شوروی است. این «خطر» موهوم اختراع دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم است، که افسانه آن از فردای انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و تأسیس دولت شوروی تا سقوط رژیم شاهنشاهی، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، یکپس و با هر رنگ و تیرنگ، بگوش مردم ما (و همه دیگر خلقهای جهان) خوانده شده است.

در دوران رضاخان - این عامل سرسپرده انگلستان، «بلشویک»، که انقلابی ایثارگر از جان گذشته ای در راه زحمتکشان ستم دیده و غارت شدیم بود، جانوری معرفی شده بود هر چه مردم طلب، خونخوار، ظالم، شقی و سفاک، که پستان زنان را میبرد، سرگودگان را به دیوار میکوبد، هستوتیست مردم را به بیضا میرید میزند و میکشد و غارت میکند. «بلشویک» بدینترتیب دشمنی بود، و شوروی، طبق این افسانه، دولتی بود تجاوزگر، اشغالگر، توسعه طلب و استعمارگر، بدتر از دولت امپریالیستی تراری، که همواره میخواند سیل آسا به کشور ما سرازیر شود و بدتر از توتون مقول ایران را در معرض تاخت و تاز قرار دهد.

تبلیغات درباره خطر کمونیسم و خطر شوروی در دوران محمدرضا - این عامل سرسپرده آمریکا - نیز ادامه یافت. «کمونیسم» اختراعی این تبلیغات، زن را اشتراکی میکند، خانه مردم را میگیرد، بیرونان و بیرونان را به دریا میریزد، کودکان را «دولتی» میکند، فاجعه ایست بدتر از طاعون و آنتروپان، سیل و زلزله، و شوروی دولتی است که چنین فاجعه ای را میخواند بر همه خلقها و سراسر جهان بفرز رساله تحویل کند.

باید افغان کرد که این تبلیغات دراز مدت، ضمن بستن راه مسافرت مردم به شوروی، در بخش بزرگی از مردم ما قاتلانی بجا گذارده است، لابل در حدود سوهن نسبت به اتحاد شوروی، همین سوهن است که بر روشنی دستور داد باید دامن زدن آرای مسلط سیاست دولت ایران ارتقاء داد، بدین وسیله بنف تیرگی روابط بین جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی شد، تا به حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران پایان داده شود و رژیم خنجر تقویت و ضربه پذیر گردد.

جایگزین کردن خطر موهوم کمونیسم و شوروی با خطر واقعی امپریالیسم هار و غارتگر آمریکا، گرچه روز بروز به روشنی بیشتر می شود ولی هنوز یکی از عمده ترین شیوه عمل تبلیغاتی - سیاسی آمریکا برای درهم کشتن انقلاب جمهوری اسلامی ایران است. بر کلیه نیروهای صدیق و آگاه انقلابی است که با افشاکاری تام و تمام این شیوه عمل ضد انقلابی، امپریالیسم آمریکا را از ادامه بکار بستن آن بکلی مایوس کنند.

شیوه سوم با تسلط ظریفتر و بطور نسبی تازه تر است. این شیوه که در حدود ۲۰ سال پیش، در زادخانه تبلیغاتی امپریالیسم اختراع شده است، در نظر میگیرد که آمریکا بعنوان دولتی سلطه جو و غارتگر تاحدود زیادی از سوی خلقها به تجربه شناخته شده و روند شناخت او ادامه خواهد داشت. پس باید دروغ «خطر شوروی» و خطر کمونیسم، همراه با حقیقت نسبتا شناخته شده خطر آمریکا را یکجا عرضه کرد تا آن دروغ قابل پذیرش گردد. از سوی دیگر، این شیوه ظریفتر و تازه تر تبلیغاتی - سیاسی آمریکا در نظر میگیرد که آن نیروی که بتواند سرمایه داری امپریالیستی را از طریق ارائه نظام سوسیالیستی و از طریق حمایت از جنبشهای انقلابی و آزادی خواهی ضد امپریالیستی خلقهای جهان از پای بردارد، جامعه کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی است. پس باید این نیروی پشتیبان نبرد نجات بخش خلقها را نوعی امپریالیسم و اتحاد شوروی را چیزی شبیه به آمریکا معرفی کرد. حاصل این «مطالعه»، اختراع نظریه «دوا بر قوت» شد، که نوعی تقسیم بی آبروی، تراشیدن سرمایه داری برای امپریالیسم بسرکردگی آمریکا، بقصد تخفیف مبارزه ضد امپریالیستی خلقها، جدا کردن جنبشهای انقلابی و رهائیش از متحد طبیعی آنها و بدین وسیله، ایجاد امکان سرکوب انقلابی، جنبشهای استقلال طلبانه، ایجاد امکان دوام سلطه نواستعماری امپریالیسم بسرکردگی آمریکا بود. (ماتویستی خائن چینی، چنانکه میدانیم، برای این شیوه تبلیغاتی - سیاسی امپریالیسم، تئوری سه جهان را ساختند.)

بعد از انقلاب ضد امپریالیستی و رهائیش مردم ایران، این شیوه تبلیغاتی - سیاسی معرفی دوا بر قدرت، بعنوان قدرتهای مشابه یکدیگر، مورد استفاده قرار گرفت و باید افغان کرد که تاحدود نیز، بر مبنای عدم شناخت سوسیالیسم و اتحاد شوروی از سوی بخش بزرگی از مردم، اثرات مخربی داشت. بازمانده های تاثیر این شیوه تبلیغاتی - سیاسی امپریالیستی هنوز هم مشاهده میشود. در همه نیروهای صدیق و آگاه انقلابی است که در اقتضای این شیوه تبلیغاتی - سیاسی امپریالیستی نیز بکوشند، تا انقلاب ایران بهتر و بیشتر جنبه ضد امپریالیستی جهانی را بشناسد، از حمایت طبیعی آن برخوردار شود، تمام نیروی خود را علیه امپریالیسم بسرکردگی آمریکا - دشمن اصلی، واقعی و خطرناک انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بکار بندد، بدون انحراف در مبارزه با شیطان بزرگ، راه دستیابی به پیروزی قطعی و نهایی انقلاب را بییامد.

پاره‌های از ریشه‌ها و علق نا آرامی و درگیری در «کفش ملی»

در شرایطی که امپریالیسم جهانخوار آمریکا به کمک آبادی داخلی خود در حال اجرای توطئه هفتم در ایران انقلابی است، ضدانقلاب بقوت می‌کوشد تا با استفاده از ناراضی‌های کارگران کفش ملی، این واحد بزرگ صنعتی را به آشوب کشد. چنانکه دیدیم، در هفته‌های اخیر خرسال گذشته کارخانجات گروه صنعتی کفش ملی شاهد وقایع اسفبار دیگری‌های کارگری بود.

بدنبال چندین روز اعتصاب و اعتراض‌های مکرر در کارخانه‌های مختلف کفش ملی، که ظاهراً بخاطر تقاضای کارگران کارخانه پوست و چرم رختان، جهت خراج بعضی از مدیران این کارخانه و همچنین پاره‌ای از تقاضاهای مادی کارگران کارخانه‌های دیگر انجام شده، روز چهارشنبه ۱۳ اسفند ۵۹، چند نفر از نمایندگان شورای کارکنان کفش ملی دستگیر شدند و این امر باعث تشدید اعتراضات کارگران گردید.

بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۳ اسفند ۵۹، عده‌ای از کارکنان بخاطر اعتراض به بازداشت نمایندگان خود محل کار هیات مدیره را محاصره کردند و مانع از خروج آنها شدند. در نتیجه ساعت ۳ صبح روز پنجشنبه ۱۴ اسفند ۵۹، سیاه پاسداران مجبوره دخالت شد و با احتمال گاز اشک آور که منجر به مسموم شدن عده‌ای از محاصره کنندگان گردید، به ماجراجوانه‌ها دست زد. در این میان تعدادی از نمایندگان کارگران و همچنین افرادی که از خارج از گروه، به قصد دامن زدن به مسئله، در ماجراجوانه‌ها دخالت داشتند و بطور غیرمجاز وارد کارخانه شده بودند، دستگیر شدند.

بدنبال این قضیه، صبح روز شنبه ۱۶ اسفند ۵۹، هیات مدیره دولتی با انتشار اطلاعاتی، ضمن محکوم کردن این عمل، مدیران وابسته به سرمایه‌داری فراری (ایروانی) را مسبب و محرک ناآرامی‌ها معرفی کرد و عده داد که بزودی نسبت به تصفیه کلیه افراد مزبور اقدام خواهد کرد.

وقایع اسفبار دیگری‌های «کفش ملی» را می‌توان یکی دیگر از اعمال خوابکارانه سرمایه‌داران لیبرال و وابستگان به آنها دانست.

بعد از انقلاب شوکه‌مند ۲۲ بهمن، اداره تشکیلات عظیم کفش ملی، واقع در اسماعیل آباد کرج، به بعد هیات مدیره دولتی واگذار شد. ندانم‌کاری‌ها و روحیه غیرانقلابی این عده، که گریزی‌های لیبرالی شدید داشتند، در طول مدت یکسال ونیمه که عهده‌دار مدیریت کفش ملی بودند، باعث از هم کسب‌کنی شرازه امور و کاهش تولید کارخانه‌های این گروه و نهایتاً تسری و ناامیدی شدید کارگران شد.

عوامل سرسپرده سرمایه‌داری فراری (ایروانی) که در زمان تصدی هیات

مدیره سابق، همچنان بر سر مشاغل حساس باقی ماندند، با همکاری وابستگان ساواک و مدیران بی‌ملاحظه‌ای که توسط هیات مدیره سابق با حقوق‌های کلان به کارگمارده شدند، از هیچ‌گونه کارشناسی و اخلاص در امر بازاری و سالم سازی گروه صنعتی کفش ملی خودداری نکردند.

هیات مدیره سابق (که از گماردگان مهندس هسته‌ای عضو موثر ساواک منحل و رئیس سابق سازمان صنایع ملی بودند) علیرغم اعتراض‌های مکرر کارگران انقلابی کفش ملی، از هرگونه اقدام انقلابی در جهت پاکسازی گروه خودداری کردند و باروشن شدیدا لیبرالی و سازشکارانه خود سعی داشتند آب رفته را بجوی بازگردانند و این واحد عظیم صنعتی را کاملاً به همان سبک و روش سرمایه‌دار فراری اداره کنند.

در بهمن ماه گذشته، در پی اعتراض‌های مکرر انجمن‌های اسلامی و شوراهای اسلامی کارکنان گروه کفش ملی، «سازمان صنایع ملی» نسبت به تعویض هیات مدیره سابق اقدام کرد و هیات مدیره جدیدی را به کارگماشت.

از همان ابتدای انتصاب هیات مدیره جدید، مدیران لیبرال گروه و وابستگان ایروانی، که موقعیت خود را شدیداً در خطر می‌دیدند، به کجا یوافتادند و با استفاده از جونا بازیستی و بدبینی کارگران، که ناشی از عملکرد غیر انقلابی هیات مدیره سابق است، با استفاده از عوامل ناشناخته خود، به تحریک کارگران پرداختند.

در این میان عوامل گروهک‌های ماوئیستی و بعضی از عناصر فریب خورده و گمراه، که نادانسته‌ها به آسیب دشمن می‌ریزند، مطابق معمول آتش بیار معرکه شدند و به منتهای شوم عوامل ضدانقلاب، که نهایتاً در جهت اجرای توطئه هفتم شیطان بزرگ آمریکا، جنایتکار است، کمک‌های فراوان کردند.

متأسفانه انعطاف‌ناپذیری هیات مدیره جدید و عدم اطاعت آنها از نقشه‌های پشت پرده عوامل ضدانقلاب باعث جبهه‌گیری شدید آنان و نهایت امر رویارویی با کارگران و شورای نمایندگان کارکنان کفش ملی شد.

هرچند بسیاری از خواست‌های کارگران مثل افزایش میزان سود و بهره، حق سخنی کار، حقوق ایام بیماری و غیره، مخصوصاً با توجه به افزایش شدید هزینه زندگی، قابل توجه است، لیکن این حقیقت را نمی‌توان انکار کرد که در بسیاری از موارد فقدان مجوز قانونی و همچنین مشکلات مالی ناشی از وضع خاص کشور و کاهش تولید و نابسامانی مالی گروه، که ناشی از کارشناسی‌های سرمایه‌داران و عوامل وابسته به آنها

شرکت ساختمانی «ویلیام بهرا» واقع در سرپندز، حدود هفت سال پیش ایجاد شد. در این شرکت حدود صد و پنجاه نفر کار می‌کنند. سهام شرکت متعلق به دوسرماه‌دار بزرگ است، که در تهران بسر می‌برد. کلیه کارهای اداری و خدماتی شرکت به یک نفر واگذار شده است.

از آغاز فعالیت این شرکت، متأسفانه امروز، نه تنها هیچ‌گونه مزایا، از قبیل اضافه‌کار، جمع‌کاری، و اضافه دستمزد به کارگران پرداخت نشده، بلکه از آغاز جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران، حقوق ثابت کارگران نیز پرداخت نشده است. کارگران قبل و بعد از جنگ بارها برای بدست آوردن حقوق خویش به اداره کار شهرستان - سلمان مسکن و اداره کار استان مراجعه کرده‌اند. کارگران می‌گویند:

«متأسفانه، بجز موارد استثنایی، توجه لازم به خواست‌های ما نداشته است. برای نمونه مسئول سازمان مسکن در جواب نماینده ما که می‌گفت: «ما حقوق پرداخت نشده خود را مطالبه می‌کنیم»، گفت: «دولت در برابر شما هیچ تعهدی ندارد». و یا هنگامی که کارگران برای دریافت حقوق خود به نماینده شرکت مراجعه کردند، او گفت: «بروید از دولت بگیرید».

کارگران می‌گویند:

«مادولت را از خودمان می‌دانیم. ما وضع کنونی دولت را خوب درک می‌کنیم. ما خوب می‌دانیم که باید دولت را از هر جهت تقویت کرد. ولی ما که اضافه حقوق و پنا چیز فوق العاده‌های نخواستیم. ما تنها حقوق معمولی و عقب افتاده خود را می‌خواهیم. ما حتی حاضریم در شرایط کنونی به خاطر وضع فوق العاده دولت، ۵۰٪ از حقوق خود مقداری پول دستمان بیاید که بتوانیم خرج زن و بچه‌هایمان و هزینه زندگی خانوادگی خود را تأمین کنیم. ولی متأسفانه آنطور که شایسته است به خواست‌های ما توجه نمی‌شود».

بازی جانفشانی در راه انقلاب کارگران شرکت ساختمانی «ویلیام بهرا» فقط حقوق ماهیانه خود را می‌خواهند!

کارگران اضافه می‌کنند که:

«ما از تمام مقامات و ادارات مسئول و قانونی خواستاری بگیری در مورد خواست قانونی خود هستیم. ما حتی برای اثبات حسن نیت خود ورقه‌ای از دفتر نخواستیم و زیری در مورد پرداخت ۵۰٪ حقوق از جانب شرکت را برای اداره کار آوردیم. ولی متأسفانه به خواست ما توجهی نشد. ما از مسئولان امر می‌خواهیم که به سایل و مشکلات ما برخوردی مسئولانه کنند».

در گذشته هرگاه کارگران به شرایط سخت کار، مثلاً ۹ ساعت کار در روز و عدم پرداخت برخی از مزایا، اعتراض می‌کردند، از جانب مسئولین شرکت اخراج می‌شدند. چنانکه قبل از جنگ، نماینده کارگران بنام «حمیدی» به دلیل دفاع از حقوق کارگران، از شرکت اخراج شد.

ما ضمن محکوم کردن کلیه تصمیم‌ها و اعمال ضد کارگری کارفرمایان، از مسئولان امر می‌خواهیم که هرچه زودتر به وضع کارگران شرکت «ویلیام بهرا» رسیدگی کنند. رسیدگی موضوع کارگران، تقویت انقلاب و تضعیف ضد انقلاب است. باید با اتخاذ تدابیر درست و محقول پشتیبانان واقعی انقلاب را در دفاع از انقلاب تشویق کرد. باید از هر تصمیم و حرکت ناحق و غلطی که باعث ناراضی می‌شود، جدا پرهیز کرد.

در یک کلام و بطور مشخص پرداخت حقوق ماهانه کارگران واحدها و کارگاه‌ها، در حالی که کارگران عموماً کمترین اندوختگی ندارند و فشار کمترین هزینه زندگی، آنها را از پای درمی‌آورد، کمترین خواستی است که از جانب آنان می‌تواند عنوان شود. در عین حال، آنچه که کارگران به انقلاب خود ارضایی می‌دارند، به هیچ وجه در حساب نمی‌گنجد، بگونه‌ای است که بجز آن می‌توان گفت کمترین هدیه زحمتکاران به انقلاب، زندگی و هست و نیست خویش است.

ما ضمن محکوم کردن کلیه تصمیم‌ها و اعمال ضد کارگری کارفرمایان، از مسئولان امر می‌خواهیم که هرچه زودتر به وضع کارگران شرکت «ویلیام بهرا» رسیدگی کنند. رسیدگی موضوع کارگران، تقویت انقلاب و تضعیف ضد انقلاب است. باید با اتخاذ تدابیر درست و محقول پشتیبانان واقعی انقلاب را در دفاع از انقلاب تشویق کرد. باید از هر تصمیم و حرکت ناحق و غلطی که باعث ناراضی می‌شود، جدا پرهیز کرد.

در یک کلام و بطور مشخص پرداخت حقوق ماهانه کارگران واحدها و کارگاه‌ها، در حالی که کارگران عموماً کمترین اندوختگی ندارند و فشار کمترین هزینه زندگی، آنها را از پای درمی‌آورد، کمترین خواستی است که از جانب آنان می‌تواند عنوان شود. در عین حال، آنچه که کارگران به انقلاب خود ارضایی می‌دارند، به هیچ وجه در حساب نمی‌گنجد، بگونه‌ای است که بجز آن می‌توان گفت کمترین هدیه زحمتکاران به انقلاب، زندگی و هست و نیست خویش است.

کشاندن کارگران به اعصاب و تحصن و درگیری توطئه صدانقلاب است!

با درود به همه کارگران زحمتکش
خواهران و برادران عزیز:
هنا نظر کرده‌اند صدانقلاب از
انفلاق کسای اداره مملکتی ربه
است که منتهی کسای مملکت و عنوان
حل مشکلات مردم و کارگران
را می‌نشد و به دلیل سببها
و روشهای مادی آنها الان
ما همه مردم ما مشکلات و مسائل
رومانی از جمله تورم، بیکاری،
کمبود مسکونی، نا امانی و غیره
و هر چه در راه است، هر روز هر چه بیشتر
زنگی به علت فشار این مشکلات
مردم و بی‌سوز و آکا رگران



نشریه کارگران مسلمان صاب کفش

آنها که بنام «اسلام» در واحدهای تولیدی دشمنی یغز حاکمیت کنونی در برابر خود نمی‌بینند، آیا داوطلبانه به کمک امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن نشناخته‌اند؟

می‌گیرد؟ چه نتیجه‌ای جز ایجاد دشمنی و تشدید تفرقه از انتشار آن حاصل می‌شود؟

بی‌هیچ تردید تنها ضدانقلاب پرورده امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکا برنده اصلی چنین برخوردی هابی است. تنها امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب گویش فرمان آن در این نشریه از زیر ضربه بیرون کشیده شده‌اند.

از آن‌جا که نیروهای وابسته به «مجاهدین خلق» همه در واحدهای تولیدی عنوان «کارگران مسلمان» بر خود می‌نهند، درست و جسامت که «مجاهدین خلق» برای جامعه، زحمتکاران انقلابی و نیروهای هوادار خود روشن کنند که آنها واقعا کسانی که

بسیاری از واحدها زیر این عنوان نشریه و اعلامیه پخش می‌کنند و کارگران را با اعتصاب فرامی‌خوانند و نظام جمهوری اسلامی ایران را یکی از بدترین رژیم‌های تاریخ بشر قلمداد می‌کنند. در زمره وابستگان این سازمان هستند؟

اهم مسائلی که مورد توجه خاص کارگران است و هیات مدیره باید نسبت به آنها توجه فوری مبذول دارد، از قرازیات:

۱- امتیازات نامعقول مدیران سطح بالای گروه صنعتی ملی،
۲- اخراج مدیران پاکسازی شده واحدهای دیگر، که در زمان هیات مدیره سابق با حقوق‌های کلان بسر مشاغل حساس گمارده شده‌اند،
۳- ممنوعیت استفاده مدیران از اتومبیل‌های لوکس، که از آنها استفاده شخصی نیز بعمل می‌آید،
۴- اخراج افراد و مدیران زائدی که بدون انجام هیچ کار مفیدی، بطور عمده در شرکتی بنام عمران مهر آباد و شرکت تهیه پوست ایران متمرکز گردیده‌اند. این افراد که سابقاً در واحدهای مختلف کفش ملی بکار اشتغال داشتند، هر یک بعلل مختلف، در اثر اعتراض و مخالفت کارگران واحدهای مدیره سابق، با این شرکت منتقل شده‌اند و در حال حاضر به ناحق حقوق‌های کلانی دریافت می‌دارند.

۵- مشورت و همفکری در اداره امور کارخانه‌ها با شورای کارکنان،
۶- اخراج عوامل وابسته به ایروانی و ساواک منحل،
۷- انجام اقدامات رفاهی در جهت فعال کردن شرکت تعاونی، مهد کودک و ورزشگاه‌های کارگران،
۸- انجام تسهیلات لازم جهت امور درمانی و بهداشتی کارگران،
۹- اتمام اقدامات انجام شده جهت طبقه‌بندی مشاغل،
۱۰- تعیین تکلیف قطعی مالکیت گروه صنعتی ملی و خلع ید کامل از کلیه سهامداران سابق.

تولیدی دشمنی یغز حاکمیت کنونی در برابر خود نمی‌بینند، آیا داوطلبانه به کمک امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن نشناخته‌اند؟

می‌گیرد؟ چه نتیجه‌ای جز ایجاد دشمنی و تشدید تفرقه از انتشار آن حاصل می‌شود؟

بی‌هیچ تردید تنها ضدانقلاب پرورده امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکا برنده اصلی چنین برخوردی هابی است. تنها امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب گویش فرمان آن در این نشریه از زیر ضربه بیرون کشیده شده‌اند.

از آن‌جا که نیروهای وابسته به «مجاهدین خلق» همه در واحدهای تولیدی عنوان «کارگران مسلمان» بر خود می‌نهند، درست و جسامت که «مجاهدین خلق» برای جامعه، زحمتکاران انقلابی و نیروهای هوادار خود روشن کنند که آنها واقعا کسانی که

نمونهای از نشریه‌ها و کتب به نام «نشریه کارگران مسلمان صنایع کفش-درفش» در کارخانه‌های گروه صنعتی کفش ملی پخش می‌شود، می‌بینید.

در این نشریه، که ظاهراً به مسائل کارگری اختصاص دارد و خود را زبان گویای زحمتکاران می‌داند، زحمتکاران انقلابی و مسلمانان بی‌رو خطا امام در میان کارگران «جاسوس» و «خبرچین» عنوان شده‌اند. رژیم انقلابی «مرجع» لقب گرفته و از کارگران خواسته می‌شود تا در برابر حاکمیتی که «بعد از انقلاب» اداره مملکت را بدست گرفته و «صلاحیت» و توان حل مشکلات مردم و «کارگران» را ندارد «متحد و یکپارچه» به مبارزه برخیزند.

در این نشریه - کارگران مسلمان (!) - حتی کلامی علیه امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های ضد انقلاب پرورده آن دیده نمی‌شود. از اشاره به جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران خبری نیست، تا چه رسد به محکوم کردن آن.

کدام نیروی انقلابی و کدام کارکنان این واحد بر این موضع گیری‌ها صحه می‌گذارند؟ چه کسی مسئولیت انتشار این ورق بار ضدانقلابی را به عهده

کردن آن یا بسبب افکار کارگران علیه آن، از افکار کارگری طبقه کارگر در جهت افزایش تولید و خنثی کردن تلاش لیبرال‌های سازشکار اثری دیده نمی‌شود. از شرکت فعال طبقه کارگر در دستگیرهای مقاومت جبهه و پشت جبهه ذکری نمی‌رود. در مقابل «مشکلات و مسائل از جمله تورم، گرانی، کمبود، بیکاری...» همواره به «سیاست‌ها و روش‌های نادرست» حاکمیت نسبت داده می‌شود. از دید نویسندگان مطالب «درفش» دشمن در هیات مدیره‌های «حزبی» - ژ - ۳ بدست‌ها» و «مرجعین حاکم» خلاصه می‌شود. همه خواست‌های طبقه کارگر در هر چه بیشتر گرفتن سود ویژه و سپاداش (عیدی) فرموله می‌شود. و به این ترتیب کارگران به اعتصاب دعوت می‌شوند. راستی کدام نیروی انقلابی و کدام کارکنان این واحد بر این موضع گیری‌ها صحه می‌گذارند؟ چه کسی مسئولیت انتشار این ورق بار ضدانقلابی را به عهده

نمونهای از نشریه‌ها و کتب به نام «نشریه کارگران مسلمان صنایع کفش-درفش» در کارخانه‌های گروه صنعتی کفش ملی پخش می‌شود، می‌بینید.

در این نشریه، که ظاهراً به مسائل کارگری اختصاص دارد و خود را زبان گویای زحمتکاران می‌داند، زحمتکاران انقلابی و مسلمانان بی‌رو خطا امام در میان کارگران «جاسوس» و «خبرچین» عنوان شده‌اند. رژیم انقلابی «مرجع» لقب گرفته و از کارگران خواسته می‌شود تا در برابر حاکمیتی که «بعد از انقلاب» اداره مملکت را بدست گرفته و «صلاحیت» و توان حل مشکلات مردم و «کارگران» را ندارد «متحد و یکپارچه» به مبارزه برخیزند.

در این نشریه - کارگران مسلمان (!) - حتی کلامی علیه امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های ضد انقلاب پرورده آن دیده نمی‌شود. از اشاره به جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران خبری نیست، تا چه رسد به محکوم کردن آن.

امر آزادی و سر جدائی ناپا

مورد اعلام "حزب منافع حیاتی" آمریکا در مناطقی که هزاران کیلومتر از خاک آن کشور فاصله دارند، تمرکز واحدهای عظیم نیروهای مسلح آمریکا در این مناطق جهت مداخله، شانتاژ و فشار و تهدید آشکارو تلغوزارت دفاع آمریکا برای ایجاد پایگاه‌های نظامی جدید در منطقه شبه جزیره عربستان، آفریقای خاوری و دریای مدیترانه.

در عین حال واشنگتن، به اتفاق یکن، به تحریک و توطئه برای ایجاد یک کانون جنگ دائمی در آسیای جنوب خاوری می‌پردازد. امپریالیسم آمریکا در آمریکای لاتین روابط خود را با رژیم‌های دیکتاتوری و پلیسی گسترش می‌دهد و توطئه‌های خود را علیه جنبش‌های میهن‌دوستانه، دمکراتیک و ضد امپریالیستی تشدید می‌کند. برای همه روشن است که بدون حمایت و پشتیبانی امپریالیسم آمریکا، رژیم‌های تروریستی ننگینی مانند رژیم پهنوشه در شیلی، استروستر در پاراگوئه و دووالیه در هائیتی نمی‌توانستند وجود داشته باشند و بپیکرهای جمعی و فشارهای شدید علیه نیروهای چپ و دمکراتیک در این کشورها امکان پذیر نبود.

بدین ترتیب، امپریالیسم آمریکا، در دهه کنونی، مانند نیروی عمده نواستعماری و مانند دشمن جنبش‌های رهایی‌بخش خلق‌های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین عمل می‌کند.

این مطلب را بویژه باید خاطرنشان کرد که امپریالیسم از اختلاف‌ها و مناقشات میان کشورهای نواستقلال در منطقه آزادی‌طلبی بهره‌مندی می‌کند. واقعیت این است که میان برخی از کشورهای این منطقه مسائل مورد اختلافی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و در مواردی اختلافات سرزمینی وجود دارد. این اختلافات قبل از هر چیز از بازمانده‌های دوران استعمار و از نتایج سیاست‌های امپریالیسم است. پیامدهای سلطه استعمارگران، مسائل منگی بوجود آورده‌است. این مسائل و اختلاف‌ها را باید با شیوه سیاسی و دیپلماتیک و از طریق جستجوی صبورانه راه‌حل‌های عادلانه و قابل قبول برای طرفین حل و فصل کرد. زمانی که برای دفاع از منافع این کشورها، یک‌جانبه و بدون در نظر گرفتن منافع دیگر خلق‌ها و وظیفه‌مندی مبارزه علیه امپریالیسم برخورد می‌شود، آن زمان وضعی بوجود می‌آید که امپریالیسم از آن بهره‌مندی می‌کند و هرگونه تلاش را بکار می‌برد تا مانع اتحاد و همبستگی کشورهای نواستقلال گردد. اختلاف و مناقشه‌های کشورهای نواستقلال در منطقه مبارزات ملی و رهایی‌بخش و به طریق اولی تضادها و مناقشات نظامی، بهترین هدیه برای امپریالیسم است.

اکنون بیش از هر چیز تضاد میان ایران و عراق نگرانی‌آور است. مواضع اتحاد شوروی نسبت به این تضاد روشن است. لئونید برژنف در این باره گفته است:

"ما طرفدار آن هستیم که ایران و عراق مسائل مورد نزاع میان خود را در پشت میز مذاکرات حل و فصل کنند. خوب خواهد بود اگر مسائلی را که امروز می‌توانند حل کنند، با روح توافق حل کنند، و آن مسائلی را که امروز نمی‌توانند حل کنند، برای فردا بگذارند، شاید راه حل آسانتری برای آن‌ها یافت شود."

کوشش امپریالیسم برای ایجاد جو تشنج ملیت‌پرستی، با تبلیغات جنجالی درباره "خطر شوروی"، بحارای از کشورها و از آن‌ها حمله کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین را تهدید می‌کند. این واقعیت بیش از هر زمان روشن می‌شود که، حمله به روند تشنج‌زدایی، محیط بین‌المللی، با منافع حیاتی کشورهای نواستقلال برخورد می‌کند. هدف این حملات سوءتفاهد به منافع ملی این کشورها و دامن‌زدن به اختلافات میان آنان است. به دیگر سخن، سیاست ضد تشنج‌زدایی و تلافی‌جویی نواستعماری، پیوندهای عمیقی با هم دارند.

در زمینه ایدئولوژی

در این زمینه هم امپریالیسم فعالیت‌های ضد خلقی و خرابکارانه خود را تشدید می‌کند. فعالیت‌های مراکز ایدئولوژیک امپریالیسم فوق‌العاده متنوع و رنگارنگ است. اما عصاره تمام حملات متقابل ایدئولوژیک امپریالیسم، آنتی‌کمونیسم و شوروی‌ستیزی است. آنتی‌کمونیسم و شوروی‌ستیزی محتوای اصلی توطئه‌های ایدئولوژیک امپریالیسم را، از تبلیغ جزورانه درباره دفاع از حقوق بشر گرفته تا دفاع آشکار از نژادپرستان و جلادان آدم‌کش، تشکیل می‌دهد.

این مطلب نیز جلب توجه می‌کند که امپریالیسم برای تسبیح نیروها جهت حمله متقابل علیه جنبش‌های رهایی‌بخش، امیدواری به یکن دارد. عقب‌نشینی رهبران یکن از مواضع انقلابی و خط مشی برتری طلبانه آن‌ها، همگی از آمدهای سیاست امپریالیستی در دوران ما تبدیل شده است. درست همین هم‌پیوندی یکن با امپریالیسم به نیروهای تجاوزگر، که از تشنج‌زدایی ناراضی هستند، دلگرمی داده است.

نقاب انقلابی‌گری و ضد استعماری کاذب، که یکن گذار خود را به مواضع دشمنان سوسیالیسم، با آن استوار می‌کند، عملاً برداشته شده است. هرمنطقه‌ای از مبارزات رهایی‌بخش ملی را در نظر بگیریم، در همجای آن نشکین هم‌آوایی یکن با امپریالیسم که فعالیت‌های خود را با آن هماهنگ می‌سازد، آشکارا مشاهده نمی‌شود. کشورهای که در آن‌ها تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی انجام می‌گیرد، مانند آنگولا، افغانستان، اتیوپی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن آماج حملات خصمانه ویژه یکن هستند.

بدین ترتیب، امروز سیاست یکن برای خلق‌هایی که در راه آزادی ملی و ترقیات اجتماعی مبارزه می‌کنند، فوق‌العاده خطرناک است. روند زندگی به‌طور روزمره نشان می‌دهد که این تصور، که گویا با

کلی جهانی و تامین امنیت بخش صلح و امنیت در سراسر جهان، دارای اهمیت فراوانی است.

نتایج مبارزات رهایی بخش در سالهای ۷۰

در سال‌های هفتاد، در سیاست جهانی تحولات چشم‌گیری روی داد. این تحولات از این‌قرار بودند:

- پیشرفت جدید در تغییر تناسب نیروها در عرصه بین‌المللی منافع سوسیالیسم و آزادی ملی؛
- موفقیت‌های بزرگ سیاست تشنج‌زدایی، که در نتیجه آن "آزادی عمل" متجاوزترین امپریالیسم به‌طور جدی محدود گردید؛
- گسترش مقیاس‌های مبارزات ضد امپریالیستی و عملاً جلب تمام مناطق آزادی ملی و غنای محتوای این مبارزات.

ضربه درم شکنده تازه‌ای بر سیستم استعماری سنتی وارد آمد. آخرین امپراتوری مستعمراتی پرتغال از هم فروپاشید. به سلطه نژاد-پرستی در زیمبابوئه پایان داده شد. پیروزی ویتنام و نیروهای میهن‌دوست کامیونجی و لائوس در این سال‌ها از رویدادهای بسیار مهم بودند. این کشورها، با برخورداری از پشتیبانی سوسیالیسم جهانی، موفق شدند به قدرتمندترین امپریالیسم معاصر، که تلاش می‌کرد مبارزه رهایی‌بخش خلق‌های این منطقه از جهان را با کمک مداخله سلطه‌مانه وسیع سرکوب کند، غلبه کنند. انقلاب‌های خلقی در اتیوپی و افغانستان و پیروزی خلقی نیگاراگوئه ضربات نیرومندی بر امپریالیسم وارد کردند. بی‌پایگی آمدهای امپریالیسم برای حفظ تسلط خود، به کمک رژیم‌های دیکتاتوری، بار دیگر به اثبات رسید. انقلاب ایران یک شکست جدی برای امپریالیسم بود.

اما موقعیت ناهرابر حقوق کشورهای در حال توسعه در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی هنوز به‌جای خود باقیست و هنوز به بهره‌مندی امپریالیستی پایان داده نشده است. فاصله میان این کشورها و دول امپریالیستی بار لحاظ بسیاری از شاخص‌های اقتصادی مهم، نه تنها کم نشده، بلکه افزایش یافته است. بسیاری از کشورهای نواستقلال، که با تلاش‌های مسرانه امپریالیسم برای حفظ برتری‌های اقتصادی خود مواجه شده‌اند، به اقدامات فاطانه، یعنی ملی‌کردن اموال شرکت‌های خارجی متوسل می‌شوند. این اقدامات جزوانه به غنای محتوای واقعی حق حاکمیت مساعدت کرد و برقراری نظارت بر ثروت‌های طبیعی این کشورها را تامین نمود. در سال‌های هفتاد مسئله لغو ساختار نواستعماری استعمار در دستور روز قرار گرفت. در بسیاری از مجامع بین‌المللی، مواضع مبارزه برای استقرار نظام نوین در روابط اقتصادی بین‌المللی، که عاری از استعمار و نابرابری حقوق باشد، فرمولبندی شد. اتحاد روزافزون و دفاع مشترک از منافع اقتصادی و پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی، به مبارزه علیه سیاست نواستعماری اقتصادی نیروی عملی می‌بخشد.

رفیق برژنف در ارزیابی خط مشی سیاسی کشورهای نواستقلال خاطر-نشان کرد:

"درباره اکثریت این کشورها به‌طور مشخص می‌توان گفت که آن‌ها، در رویارویی با امپریالیسم، با نیروی فزاینده‌ای از حقوق سیاسی و اقتصادی خود دفاع می‌کنند و می‌کوشند استقلال خود را استحکام بخشند و سطح ترقیات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی خلق‌های خود را ارتقا دهند."

مشی نو استعماری و مسائل مبرم همکاری نیروهای ضد امپریالیستی

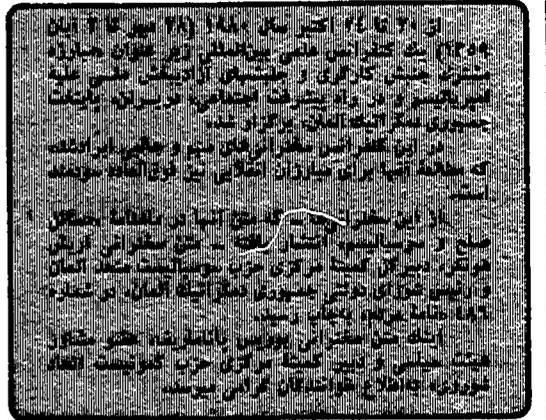
استراتژی نواستعماری متنوع امپریالیسم، و قبل از همه امپریالیسم آمریکا، چند هدف عمده زیر را دنبال می‌کند:

- نگهداری کشورهای در حال توسعه در سیستم اقتصاد جهانی سرمایه‌داری، به عنوان طرف‌های وابسته و باج‌دهنده؛
- کوشش برای آن‌که این کشورها در سبتر سیاست امپریالیستی قرار گیرند و نسبت به کشورهای پیرو سوسیالیسم واقفا موجود و کشورهای که در راه رشد سوسیالیستی به پیش می‌روند، مواضع ریاکاری اتخاذ کنند، - جلوگیری از رشد مستقل این کشورها، کند کردن آهنگ ترقیات اجتماعی از طریق تحمیل راه رشد سرمایه‌داری و حتی حفظ ساختار فئودالی و نیمه فئودالی آنان.

زمینه اقتصادی را بررسی می‌کنیم. در این زمینه به اصطلاح شرکت‌های فرا ملیتی، نقش نیروی ضربتی نواستعمار معاصر را ایفا می‌کنند. این شرکت‌ها، بدون پرهیز از هرگونه وسیله‌های، تلاش دارند که اقتصاد کشور-های در حال توسعه را زیر نظارت خود قرار دهند و از رشد صنعتی آنان به نفع خود بهره‌گیرند. انحصارهای بین‌المللی برزحتمت‌ترین رشته‌های تولیدی را به‌منظور بهره‌مندی از نیروی کار ارزان، و نیز از رسته‌های از صنعت را که بیش از همه موجب آلودگی محیط زیست می‌شوند، به این کشورها منتقل می‌سازند. به دیگر سخن، مراکز امپریالیستی تمام "سرشیر" انقلاب علمی و فنی را به‌مقدود اختصاص می‌دهند و تقالها و بین‌مانده‌های آن را در اختیار کشورهای وابسته می‌گذارند.

در زمینه سیاسی، محافل امپریالیستی، و قبل از همه ایالات متحده آمریکا، بدون توجه به درنهای ویتنام، از نو نظریه رهبری جهانی آمریکا را به‌میان می‌کنند و دوباره ادعاهای خود را درباره نقش زاندارم جهانی مطرح می‌کنند. علاوه بر این، آشکارا بازگشت به سیاست کژاشی "چاق بزرگ" را بی‌شرمانه اعلام می‌کنند. امپریالیسم کانون‌های تضادها و تکریدی بوجود می‌آورد و جنگ‌های منطقه‌ای را تحریک می‌کند. سیاست کمپد بود به تشدید وخامت اوضاع خاور نزدیک منجر گردیده و بسیاری از نواحی این منطقه، از آن جمله لبنان، به مناطق درگیری مسلحانه متناوب تبدیل شده است.

شاید در تاریخ دهه‌های اخیر یک جنبی تبلیغات فترتانه جنون‌آمیزی، که از جانب محافل تبلیغاتی غرب و یکن در ارتباط با رویدادهای افغانستان بعراه افتاده، بی‌سابقه باشد. اما این تبلیغات در عمل هدفش استوار یک‌جانبی اقدامات و نقشه‌هایی بود: بعراه انداختن جنگ اعلام نشده در افغانستان، مطرح کردن ادعاهای بی‌شرمانه امپریالیسم آمریکادر



دردوران ما تماس و دیدار میان نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری و نمایندگان رده‌های گوناگون جنبش رهایی‌بخش ملی اهمیت ویژه‌ای دارد. ما سخنرانی رفیق اریش هونگر، دبیرکل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان را با دقت فراوان شنیدیم و با ارزیابی ایشان درباره اهمیت این گفتار و مهم بودن مسائلی که در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد، هم عقیده هستیم. بدیهی است که هیئت نمایندگی ما مدعی آن نیست که بتواند به تشریح تمام مسائل و موضوعاتی که در این گفتار بررسی خواهد شد، می‌پردازد. هدف ما در این گفتار بیشتر تبادل نظر وسیع در مورد این مسائل است. به‌ویژه آن مسائلی مهم است که خود شرکت‌کنندگان بلاواسطه در جنبش‌های رهایی‌بخش ملی حاضر در این گفتار بیان کنند.

گفتار ما در شرایطی برگزار می‌شود که اوضاع بین‌المللی بسیار پیچیده است. به‌نگاه امپریالیسم، خطر جنگ‌شدید شده و نیروهای ارتجاع جهانی تلاش دارند به حمله متقابل دست بزنند و مواضع از دست‌رفته خود را بازیابند. این امر با سرنوشت صدها و صدها میلیون انسان در تمام قاره‌های جهان برخورد دارد. و طبیعی است که در سراسر کار این گفتار، این مطلب مورد بحث خواهد بود.

لغین بر این عقیده بود که جنبش رهایی‌بخش ملی، بخش جدائی‌ناپذیر روند انقلاب جهانی است. کمونیست‌ها نخستین کسانی بودند که توانستند به امکانات انقلابی عظیم خلق‌های زیرستم امپریالیسم توجه کنند و نخستین کسانی هستند که به‌طور بیکر از حقوق این خلق‌ها برای کسب استقلال و بهترفت مستقلانه دفاع می‌کنند. کمونیست‌ها همواره بیکرترین مبارزان راه آزادی خلق‌ها بوده و هستند. انقلاب کمپرس سوسیالیستی اکثر قاطعانه‌ترین ضربه را به امپریالیسم در مراکز آن، به متروپولها و مستعمرات و نیمه مستعمرات تحت تصرف آنان وارد ساخت. همین امر آغازگر پیدایش بحران در سراسر سیستم مستعمراتی بود. شکست جبهه دول فاشیستی و ملیت‌پرستی در جنگ دوم جهانی به‌طور قطعی تناسب نیروها را به نفع سوسیالیسم تغییر داد و مبارزه در راه براندازی سلطه امپریالیستی را برای خلق‌های مستعمرات تسهیل کرد. سوسیالیسم جهانی برای انجام موفقیت‌آمیز مبارزه در راه فروپاشی امپراتوری‌های استعماری، شرایط بین‌المللی مساعدی پدید آورد. سرمایه‌داری به مرحله جدید بحران عمومی خود، که روزبه‌روز شدت می‌یابد، وارد شد.

ایستار صدور بیانیه سال ۱۹۶۰ از جانب سازمان ملل متحد در مورد واگذاری استقلال به کشورها و خلق‌های مستعمرات، به اتحاد شوروی تعلق دارد. پس از گذشت ۲۰ سال، اهمیت تاریخی این ابتکار حالا روشن‌تر ملاحظه می‌شود. در این قطعنامه ماهیت سیاست اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی نسبت به جنبش‌های رهایی‌بخش ملی بازیافت یافته است. طبقه‌رگر و احزاب کمونیست کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته در مبارزات رهایی‌بخش خلق‌ها سهم مهمی داشته‌اند. از نقشی که متلا احزاب کمونیست فرانسه، پرتغال، بریتانیا، کبیر، ایتالیا، هلند و دیگر کشورهای اروپای غربی در پشتیبانی از مبارزه خلق‌های کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره ایفا کرده‌اند، همه آگاهی دارند. کمونیست‌های کشورهای در حال توسعه در راه به‌انجام رساندن انقلاب‌های ضد امپریالیستی وض فئودالی و در راه آینده سوسیالیستی و بهبود شرایط زندگی توده‌های خلق، مبارزات فداکارانه‌ای انجام می‌دهند. آن‌ها از اقدامات ضد امپریالیستی دولت‌های ملی، که موجب تثبیت پیروزی‌های به‌دست‌آمده می‌شود، فاطانه پشتیبانی می‌کنند، اما با اقدامات ضد دمکراتیک آنان در زمینه پایمال کردن منافع زحمتکش و اعمال ظایر با اصول استقلال ملی، مخالفت می‌ورزند.

اکنون جهان کوره‌هایی که به استقلال ملی رسیده‌اند، منظره‌های جالب و متنوع دارد. روندهایی که در این کشورها جریان دارد، در زندگی و سرنوشت خلق‌های دهها کشور که جمعا ۵۰ درصد جمعیت کره ارض را تشکیل می‌دهند، تاثیر می‌گذارد. این روندها عبارتند از استقرار و سازماندهی حاکمیت رستاخیز ملی و اعتلای سطح اقتصاد و فرهنگ، و به دیگر سخن، بازسازی کامل تمامی شیوه زندگی، با برخورداری از تمام آن ارزش‌های متنوع و خودویژه‌ای که در گذشته اندوخته شده و استعمارگران سعی در نابودی آن‌ها داشته‌اند.

به‌طور کلی این جهان عظیمی است که کشورهای دارای شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و سطح زندگی، خصائل ملی و سنن فرهنگی متفاوت را در بر می‌گیرد. برخلاف سایر مناطق جهان، این منطقه فوق‌العاده متنوع و از لحاظ سیاسی بی‌ثبات است. اما یک عامل وجود دارد که اکثریت کشورهای این منطقه را با هم متحد و پیوسته می‌کند. این عامل روحیات ضد امپریالیستی و تمام مظاهر ست ملی است. در این منطقه از جهان، کشور-های دارای سمت‌گیری سوسیالیستی عموما در روابط بین‌المللی نقش برجسته و روزبه‌روز فعال‌تری را ایفا می‌کنند. امروز بزرگ‌ترین عامل گروپارویی با استراتژی امپریالیسم در این منطقه، هند و نیجریه و دیگر کشورهای از این نوع هستند.

اکنون شرکت فعال کشورهای نواستقلال برای حل موفقیت‌آمیز مسائل

ی و سوسیالیسم کی ناپذیرند

رسیدن به هدفهای درجه اول آزادی ملی، تأثیر متقابل سه جریان اساسی ترقیات جهانی، اهمیت قبلی خود را از دست می‌دهد، تا چه حد نادرست است. تنها کسانی می‌توانند وضع را چنین تصور کنند که در پیشرفت و ترقیات ملی و اجتماعی ذینفع نیستند، و کسانی که بر روی امواج مبارزات رهایی بخش ملی رو آمده‌اند و حالا بسوی سازش با امپریالیسم گرایش دارند.

نومبارز یک چنین برخوردی در خیانت سادات به منافع مبارزات رهایی بخش تبلور یافته است. امپریالیسم در همه جا سادات را به سادات‌های کوچک و بزرگی را به بروراند و حاکمیت آن‌ها را تثبیت کند. در مواردی هم موفق می‌شود، و این مطلب هم مبارزه طبقاتی در کشورهای آزاد شده و هم با گرایش‌هایی که در برخی از این کشورها در سمت نوزایی سرمایه‌داری پدید می‌آیند، ارتباط مستقیم دارد.

ما کمونیست‌های شوروی ایمان داریم که جنبش ضد امپریالیستی، با تمام بغرنجی‌ها و فراز و نشیب‌ها و در مواردی عدم موفقیت‌ها، در صورتی که با قاطعیت همراه با جریان کلی نیروهای انقلابی، صلح‌دوست و آزادی‌خواه دوران معاصر گام بردارد، آینده پیروزمندی خواهد داشت.

در دوران ما جنبش غیر متعهد به عامل موثر سیاست جهانی تبدیل شده است. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برای تشریک مساعی کشورهای غیر متعهد اهمیت زیادی قائلند و صمیمانه سعی دارند که روابط و همکاری‌های خود را با این کشورها گسترش دهند. برای این امر پایه‌های عینی وسیع، علاقمندی متقابل، اشتراک و نزدیکی مواضع نسبت به مسائل عدم پیشرفت جهان وجود دارد.

در دوران اخیر ما ناظر آن هستیم که ارتجاع جهانی برای تپه کردن محتوای ست‌گیری ضد امپریالیستی جنبش غیر متعهدها، ایجاد تفرقه در میان کشورهای عضو آن و رودررو قرار دادن این کشورها با جامعه کشورهای سوسیالیستی و دیگر نیروهای صلح‌دوست و ترقی‌خواه جهان، تلاش‌های روزافزونی به کار می‌بندد. وسیله‌ای که سعی می‌شود به کمک آن این تلاش‌ها تحقق پذیرد، به اصطلاح نظریه "دوری برابر" (هم از جهان سرمایه‌داری و هم از جهان سوسیالیستی) است. اما "دوری برابر" از سیاست صلح و سیاست جنگ، از سیاست رهایی خلق‌ها و سیاست نواستعماری، با اهداف تاریخی کشورهای غیر متعهد تناقض بنیادی دارد و از بالا رفتن نقش مستقل این کشورها در عرصه سیاست جهانی جلوگیری می‌کند.

حال بسیم جهت عمده همکاری کشورهای نو استقلال با کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌گرایی جهانی و دیگر نیروهای ترقی‌خواه کدامند؟ این همکاری‌ها قبل از هر چیز نیازمند از اقدام مشترک بمنفع استحکام صلح و امنیت خلق‌ها، در راه جلوگیری از تجاوزات امپریالیستی و ملیه تلاش‌های نواستعمار برای فائق آمدن به "روند تاریخ". در حال حاضر مبارزه بمخاطر استحکام صلح و کاهش وخامت اوضاع بین‌المللی، در حقیقت با مبارزه علیه نواستعمار و نژادپرستی و بمخاطر استحکام مبنای کشورهای نواستقلال ملی و بمخاطر آزادی اقتصادی آنان، پیوند ناگسستی دارد.

آن دوران که امپریالیست‌ها و برتری طلبان یکن می‌توانستند این نظریه را، که امر خلق سلاح برای این کشورها بیگانه است و سابقه تسلیحاتی برای آن‌ها یک مسئله مهم حیاتی نیست، تحمل کنند، سپری شده است. حالا در این کشورها نیک می‌دانند که سابقه تسلیحاتی چه ذخایر عظیمی راز آن‌ها می‌گیرد.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی مذتها است که مصراجه پیشنهاد می‌کنند که به سابقه تسلیحاتی پایان داده شود، بودجه‌های نظامی کاهش یابد و بخشی از این اعتبارات برای افزایش کمک به کشورهای آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین تخصصی داده شود. در آخرین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اتحاد شوروی آمادگی خود را برای مذاکره درباره میزان آن مبلغی که هر کشور از بودجه نظامی خود می‌کاهد و برای افزایش یک چنین کمک اقتصادی تخصصی داده می‌شود، اعلام کرد.

خطی اتحاد شوروی برای کاهش تسلیحات بین‌المللی و خلع سلاح، با وظایف رشد و تکامل طبقات کامل دارد. و درست به همین علت است که مواضع کشورهای سوسیالیستی و کشورهای نو استقلال در مسائل خلق سلاح، و از آن جمله منع سلاح اتمی، آن قدر بهم نزدیک‌اند. این همگونی مواضع موجب آن شد که در اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای خلق صلح، نتایج سازنده‌ای به دست آید و این مطلب در اسنادی که مشترکاً در مجامع مختلف بین‌المللی به تصویب رسیده است، بازتاب یافته است.

اما تجربه نشان می‌دهد که تنها با قطنانها و مصوبات خوب نمی‌توان از توطئه‌های نیروهای متجاوز امپریالیسم و مجتمع‌های نظامی و صنعتی، که پشت سر آن‌ها قرار گرفته‌اند، جلوگیری کرد. برای رسیدن به این هدف، ضالیت بیشتر همه نیروها، حرکت توده‌های وسیع مردم و همکاری همه کشورهای سوسیالیستی که با استحکام صلح و خلع سلاح علاقمند هستند، ضرورت دارد. در روابط میان کشورهای آزاد شده با کشورهای سوسیالیستی، اصول برابری حقوق، سود متقابل و همبستگی ضد امپریالیستی به طور مشخص به کار برده می‌شوند.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از ست‌گیری ضد امپریالیستی منشور حقوق و وظایف اقتصادی دول و اعلامیه درباره برقراری نظام نوین در روابط اقتصادی بین‌المللی، که در جریان همکاری‌های برابر حقوق تدوین شده و به تصویب سازمان ملل متحد رسیده است، مجدداً پشتیبانی می‌کنند.

وظایف و شایسته کردن شعبی و هرگونه مواضع مصنوعی در بازرگانی بین‌المللی، لغو هرگونه مظاهر نابرابری حقوق، انحصاف و بهره‌مکنی در

روابط اقتصادی بین‌المللی، در ۲۵مین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، به‌منابه بخشی از برنامه تدوین مبارزه در راه صلح و همکاری بین‌المللی و بمخاطر آزادی و استقلال خلق‌ها، مطرح شده است. در اجلاس چندین‌پیش مجمع عمومی سازمان ملل متحد مربوط به مسائل اقتصادی، کشورهای سوسیالیستی از خواست‌های عادلانه کشورهای نو استقلال مجدداً پشتیبانی کردند.

از نفعی که کشورهای سوسیالیستی در ایجاد پایه‌های بنیاد صنعتی کشورهای نواستقلال ایفا می‌کنند، چنین واقعیتی گواهی می‌دهد که اکنون قریب ۴۰ درصد تولید چدن و ۳۰ درصد تولید فولاد در کشورهای آسیا و آفریقا، در موسساتی به‌مدست می‌آید که با کمک اتحاد شوروی در این کشورها احداث شده‌اند.

کمک‌ها و تجارب کشورهای سوسیالیستی در تدوین اصول استقلال ملی بر منابع طبیعی، اشکال و شیوه‌های استفاده از ثروت‌های طبیعی، در رشد و تکامل دانش در برنامه‌ریزی و سازماندهی آموزش و در پرورش کادریهای تخصصی برای امور بهداشتی و درمانی در این کشورها، نقش بسیار مهمی دارد. اهمیت روابط فرهنگی، که به غنای متقابل ارزش‌های هنری و متمدن می‌کند، بسیار با ارزش است. خود موجودیت و استحکام مواضع سیستم سوسیالیستی جهانی بر محیط روابط اقتصادی، میان کشورهای آزاد شده یا کشورهای امپریالیستی، تأثیر بسیار جدی دارد. کشورهای امپریالیستی اغلب ناگزیرند در اقدامات خود کمک‌های اقتصادی کشورهای سوسیالیستی را به‌محاسب بیاورند و در مقابل کشورهای آزاد شده متن به گذشت بدهند. چنان‌که می‌دانیم، امپریالیسم دستیاران یکنی آن، در تلاش‌های خود برای جدا کردن کشورهای در حال توسعه از جهان سوسیالیسم، از نظریه "فلاپی ملن" "فقیتر" در "جنوب"، که در برابر ملل "غنی" در "شمال" قرار گرفته‌اند - و اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را جز آن‌ها به‌محاسب می‌آورند - بهره‌برداری می‌کنند. با این "نظریه" از ضمن تحریف وضعی که با روند تاریخی پدید آمده، مسئولیت وضع فلاکت‌بار خلق‌های "جنوب" را به گردن کشورهای سوسیالیستی می‌گذارند.

کشور ما درستی طرح مسئله درباره دریافت اعتبارات اضافی از خارج برای تأمین اعتبارات مالی برنامه‌های رشد اقتصادی مصمومات پیشین را انکار نمی‌کند. اما پرداخت چنین اعتباراتی بایستی به‌صورت جبران خسارتی که در گذشته از جانب امپراتوری‌های مستعمراتی سابق بمکشور-های نو استقلال وارد آمده، انجام شود، و همچنین به‌منابه جبران خسارتی که اکنون به این کشورها، در نتیجه فعالیت شرکت‌های فراملیتی، وارد می‌شود.

همکاری‌های کشورهای آزاد شده با کشورهای سوسیالیستی و برقراری تشریک مساعی آنان با طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری در مبارزه علیه دشمن مشترک استعمارگر، یعنی شرکت‌های فراملیتی می‌تواند و باید به تحقق خواست‌های عادلانه این کشورها و قطع بهره‌مکنی از خلق‌های کمورت‌های در حال توسعه مساعدت کند.

سمت‌گیری سوسیالیستی - وثیقه مبارزه موفقیت‌آمیز بمخاطر رستاخیز ملی و ترقیات اجتماعی

در دوران ما، مبارزه علیه امپریالیسم و بمخاطر استقلال سیاسی و اقتصادی، در عین حال مبارزه است علیه نیروهای ارتجاع داخلی، که نگاه امپریالیسم هستند.

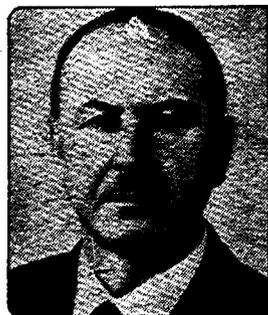
در رده‌های مقدم این مبارزه در منطقه رهایی ملی، اکنون کشورهای دارای ست‌گیری سوسیالیستی و یا کورهایی که در راه رشد سوسیالیستی به پیش می‌روند، قرار دارند. در این‌جا منظور کورهایی است که دارای سطح رشد متفاوت و درجه متفاوت رشد روابط اجتماعی هستند. در میان این کشورها، در مورد هدف‌های مشخصی که در مرحله کنونی از جانب پیشاهنگ رهبری‌کننده آن‌ها در برابرشان قرار گرفته، تفاوت‌هایی وجود دارد. اما به‌طور کلی سخن بر سر آن کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای مرکزی است که پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی، ضد فئودالی و دیمکراتیک، در راه سوسیالیسم و یا گذار به سوسیالیسم قرار گرفته‌اند.

طی ده‌ساله اخیر، دایره آنگونه کشورهای توسعه یافته است. این یک امر مهمی است. این امر گواه آن است که در دوران ما، به‌مقیاس جهانی، دوران گذار بشریت از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است. روند حوادث به‌طور روزمره نتیجه‌گیری‌هایی را که در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی ثبت گردیده، تأیید می‌کند. در این برنامه گفته می‌شود:

"سرمایه‌داری راه رنج‌ها و مشقات ملت‌هاست. این راه ترقیات سریع اقتصادی و براندازی فقر را تأمین نمی‌کند."

زندگی هر روز این واقعیت را تأیید کرده و تأیید می‌کند که کشورهای نواستقلال نمی‌توانند با امپریالیسم همراه باشند. منافع عینی آنان در حال حاضر، در آینده، با منافع کورهایی که سوسیالیسم در آن‌ها پیروز شده، نزدیک است و با منافع دارد. کشورهای سوسیالیستی از نیروها و جنبش‌های انقلابی و دیمکراتیک، که طرفدار گزینش راه سوسیالیستی هستند و سعی در تحقق بخشیدن به سوسیالیسم دارند، مجدداً پشتیبانی می‌کنند. این پشتیبانی بازتاب مشخصی خملت اترناسیونالیستی سیاست خارجی سوسیالیسم است. کورهایی هم که راه رشد سوسیالیستی را برگزیده‌اند، بمنوبه خود، به‌حق در سیمای جامعه کشورهای سوسیالیستی، نزدیک‌ترین دوست و هم‌روز طبیعی خود را در امر مشترک می‌بینند. موجودیت سوسیالیسم واقعی بمکشورهای دارای ست‌گیری سوسیالیستی امکان می‌دهد که به‌منوبه‌موتری در برابر سیاست مداخله‌گرانه و تجاوز امپریالیستی بیاورد کنند، از تجارب کشورهای سوسیالیستی در ساختمان زندگی نوین برخوردار شوند، با کامیابی‌های دانش و تکنیک معاصر دست یابند و در پرورش کادریهای فنی متخصص توفیق حاصل کنند.

میان کشورهای دارای ست‌گیری سوسیالیستی و جامعه کشورهای سوسیالیستی روابطی پدید آمده و می‌آید که از لحاظ بسیاری مبتنی بر اشتراک هدف و منافع‌اند. این روابط، روابط همبستگی، کمک متقابل و همکاری با سود متقابل است.



یوریس پاناماریف،
عضو مشاور هیئت سیاسی
و دبیر
کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی

نظام سوسیالیستی در جریان مبارزه قاطعانه نیروهای پیشرو جامعه و در نتیجه کار و کوشش سازنده تمامی خلق بوجود می‌آید. تنها در این صورت است که نوع جدید روابط اجتماعی، انسان نوین و انسان وجاهد-ای که در راه سوسیالیسم به‌پیش می‌رود، استقرار می‌یابد.

مطلب عمده البته عبارت از آن است که موفقیت کشورهای دارای ست‌گیری سوسیالیستی هر چه بیشتر پایدار و استوار شود. و این وظیفه آسانی نیست، زیرا که امپریالیسم، به همراه نیروهای ارتجاع داخلی، به‌طور مستمر تلاش‌هایی به‌کار می‌برد، تا نظام مترقی را تخریب کند.

سراسر تجارب تاریخ گواه بر آن است که برای حفظ و استحکام مواضع مترقی این‌گونه کشورها:

- داشتن حزب انقلابی، که جامعه را رهبری کند و بر پایه سوسیالیسم علمی عمل نماید.
- استحکام تمام ارگان‌های دیمکراتیک، که پس از براندازی سلطه استعماری بوجود می‌آیند، از پایین تا بالا.
- آماده کردن و پرورش کادریهای حزبی و دولتی وفادار به امر زحمتکشان و سوسیالیسم.
- تقویت نیروهای صلح ملی، که قادر به دفاع از دستاوردهای خلق باشند.
- گسترش مداوم روابط حزب و دولت با توده‌های خلق و جلب زحمتکشان به اداره امور اجتماعی.
- اجرای سیاست اقتصادی و اجتماعی درست، که استحکام مبنای استقلال کشور و امتلاقی سطح تولید و سطح زندگی اهالی را تأمین کند.
- گسترش روابط با کشورهای سوسیالیستی - صادق‌ترین و مطمئن‌ترین دوستان کشورهای آزاد شده مستقل، دارای اهمیت فراوانی است.

با این‌که کشورهای دارای ست‌گیری سوسیالیستی و یا کشورهای با راه رشد سوسیالیستی، در مراحل مختلف تکامل قرار دارند، اما در تمام این کشورها لزوم رهبری دینشاهی و سیاسی از جانب حزب انقلابی پیشاهنگ در درجه اول قرار می‌گیرد. ارتباط این حزب با توده‌های خلق نقش عظیمی ایفا می‌کند. زندگی می‌آموزد که تنها حزبی که در اعماق توده‌های خلق زندگی می‌کند، روحیات و آرمان‌های خلق را درک می‌کند، شیوه برخورد با توده‌ها را می‌داند و می‌تواند اعتماد آن‌ها را جلب کند. در عین حال می‌تواند خط‌مشی ست‌گیری سوسیالیستی را تحقق بخشد.

برای تحقق پیگیر اندیشه‌های سوسیالیستی بایستی مقاومت عناصر اجتماعی مخالف و پوزمانده‌های گرایش‌های کهنه را بر طرف ساخت و مسائل ملی، نژادی و مذهبی را در چارچوب حاکمیت دیمکراتیک حل کرد. جلب جوانان به امور دولتی و کار حزبی و سیاسی در ارتش و جلب آن‌ها به کار بازسازی اجتماعی، در جریان ایجاد دستگاه دولتی جدید، حائز اهمیت فوق‌العاده است.

حل همه این مسائل بفرنج ایجاد می‌کند که تعداد زیادی کارشناس حرفه‌ای در زمان بسیار کوتاهی پرورش داده شود. این امر به‌موجب آسان نیست، اما قابل اجرا است، به‌ویژه با در نظر گرفتن آن‌که استفاده از تجارب و کمک‌های اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی. کورهای ما برای پرورش کادریهای تخصصی کمبوده است و همچنین آمادگی که کارشناسان خود را برای پرورش کادریهای تخصصی به این کشورها بفرستیم. مهم‌ترین عرصه فعالیت احزاب پیشاهنگ، عرصه سیاست اقتصادی است.

بفرنجی این مسئله در آن است که باید، در زمان واحد، هم به ایجاد بنیاد مادی و فنی و هم به بهبود وضع زندگی زحمتکشان پرداخته شود. در چنین شرایطی، رهبری کشورهای دارای ست‌گیری سوسیالیستی راه چاره را در آن می‌بینند که به‌تدریج پیوسته کنند و از پرستاب کردن مصنوعی تحولات اجتماعی برحذر باشند. بدیهی است که مسئله بهره‌برداری با صرفه از منابع داخلی و استخراج و بهره‌برداری از منابع طبیعی در درجه اول قرار می‌گیرد. توسعه تعاونی‌ها در امور کشاورزی و پیشموری، متناسب با فراهم شدن شرایط لازم برای بهبود کار موسسات صنعتی بخش دولتی، دارای اهمیت فراوانی است. تجارب گواه بر آنند که بخش خصوصی، با حفظ نظارت لازم از جانب دولت، می‌تواند نقش سودمندی داشته باشد.

استفاده از منابع درونی، با پرورش احساس برخورد جدید نسبت به کار، که بر بنیاد انضباط آگاهانه و شناخت مشکلات رشد اقتصاد نوین استوار باشد، پیوند دارد. نکته حلال و سرنوشت‌ساز، که ضامن موفقیت ست‌گیری سوسیالیستی است، عبارت است از دستیابی به چنان وضعی که زحمتکشان ثمرات انقلاب را عملاً لمس کنند، و نه تنها از لحاظ هنری و نیاسی، یعنی به دست آوردن شخصیت انسانی و احترام به اهل کار و زحمت، بلکه همچنین در زمینه بهبود ملموس شرایط زندگی.

برای کورهایی که راه تحولات سوسیالیستی را برگزیده‌اند، تجارب بنیادگذاری جامعه نوین، که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اندوخته‌اند، بسیار با ارزش است. چنان‌که می‌دانیم، جمهوری یوگوسلاوی بدون گذار از مرحله سرمایه‌داری، به ساختمان سوسیالیسم پرداخت. از سیاست اقتصادی جدید، که لنین بزرگ تدوین کرد، تجارب پرارزشی در این‌باره به‌مدست آمد که چگونه حاکمیت انقلابی، با در دست داشتن مواضع کلیدی در اقتصاد چند رشته‌ای، می‌تواند منافع زحمتکشان روستا و شهر را با منافع دولت و منافع ساختمان سوسیالیستی هم‌هانگ کند.

ضمن بیان اهمیت تجارب کشورهای سوسیالیستی، لازم به تذکر است بقیه در صفحه ۷۰

دهقانان و دفاع از انقلاب، بزرگ مالکان و بسیج عشایری

دهقانان مبارز در صف اول جبهه

می بینیم هر روز توطئه‌ای از جانب امپریالیسم آمریکا در ایران چیده میشود. در پی همین توطئه‌ها بود که رژیم صدام به خاک ایران حمله آورد و من نیز، مثل بقیه زحمتکشان، راهی جبهه شدم تا در مقابل امپریالیسم آمریکا از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع کنم.

دهقان مبارز درباره چگونگی زخمی شدنش می‌گوید: "هم‌بهره جبهه کورناشاه و از آنجابه اسلام آباد اعزام شدیم و بعد از مدت کوتاهی در صف مقدم جبهه جای گرفتیم. ماهها رژیم صدام در روز ۱۸ بهمن، در حمله به تپه میمک، بعد از تصرف آن، از ناحیه بازخمی شدم. از نادر شیخ الاسلامی درباره انتظارات کشاورزان از انقلاب می‌پرسیم. او می‌گوید: "اولین خواسته ما کشاورزان الفای بزرگ مالکی و اجرای هرچه سریعتر

بش از ۶ ماه از آغاز تجاوز آمریکا به ایران است. اگر توده‌یگر برهنگان روشن است که توطئه مشترک امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه برای تجزیه ایران و سرکوب انقلاب، به‌همت توده‌های زحمتکش میهنمان، با شکست روبرو شده است. مردم ایران در این راه تاکنون هزاران شهید و مجروح بجاکذاشته‌اند. در این میان دهقانان مبارز نیز در دفاع از انقلاب خویش، در اولین فرصت خود را به مراکز اعزام معرفی کردند و در صف مقدم نبرد علیه تجاوزگران صدامی قرار گرفتند. بخون ده‌ها شهید دهقان مبارز با خون دیگر رزمندگان راه استقلال و آزادی میهن دردم آمیخته است و همچنان درخت انقلاب را آبیاری می‌کند. بسیاری از دهقانان نیز در این مصافحین حق و باطل، بین انقلاب و ضدانقلاب، بین میهن انقلابی و تجاوزگر صدامی - آمریکایی



نادر شیخ الاسلامی، کشاورز، اهل میانه، که در جبهه جنگ علیه تجاوزگران صدامی مجروح شده است.

بند "ج" است. اگر این خواست حقه‌ا چرا نگردد، دهقان روی خوشبختی را نخواهد دید. دیگر خواست ما این است که دولت امکاناتی از قبیل ماشین آلات کشاورزی، کود، بوم و غیره در اختیار ما بگذارد، تا بتوانیم بیش از پیش تولید کنیم و بیست جبهه را نیز به‌کارزار نبرد علیه امپریالیسم آمریکا بدل کنیم. اگر چه انقلاب هنوز نتوانسته است به این خواسته‌های اساسی ما و دیگر زحمتکشان رسیدگی کند، ولی ما مطمئن هستیم که انقلاب مشکلات مستضعفین را حل خواهد کرد."

زخمی شده‌اند. نادر شیخ الاسلامی، دهقان آذربایجانی، اهل میانه، یکی از آنها است، که در جبهه میمک از ناحیه، یا زخمی شده است، عکس او را در این صفحه چاپ می‌کنیم و مصاحبه کوتاهی را با او می‌خوانید. نادر شیخ الاسلامی می‌گوید: "۳ سال قبل در ایران انقلاب شد، انقلابی صدام‌امپریالیستی و مردمی. انقلاب ما به منافع حیاتی امپریالیسم آمریکا در ایران و منطقه ضربه مهلکی وارد آورده است. به‌همین دلیل است که

که این شخص تا سه چهار روز قادر به حرکت نبود. یکی از جوانان دایار نرزمی می‌گوید: "در بسیج عشایری بودم. با تعدادی از روستاییان مشغول تیراندازی بودیم. یکی از مالکین سرپرست بسیج که اهل عثمانوند است پیش ما آمد و گفت که حیف است این فنگ‌ها را به هدر بدهید. آن‌ها را برای نابودی این رژیم لازم داریم. نکته دیگر اینکه، در روستای دایار ۱۲ خروار زمین متعلق به شخصی است که خود وی در شهر بسر می‌برد و زمین‌ها را بدون کشت رها کرده است و نه خود می‌کارد و نه به دیگران اجازه کشت می‌دهد. مالک‌ها به روستاییان گفته‌اند: "ما اعتصاب کرده‌ایم، برای کی کشت بکنیم؟!". در این دمو دیکر روستاهای سنجایی، مالکین و اهادی آنان شایع کرده‌اند که هر کسی که زمین مالک را گرفته است، او را به زندان خواهند انداخت. در این روستا برق و مصام وجود ندارد. شورا هم تشکیل نشده است. لازم است که دهقانان هر چه زودتر نمایندگان خود را برای تشکیل شورا انتخاب کنند و در انتخابات با کمک نهادهای انقلابی چون جهاد سازندگی نظارت و دقت کنند که بزرگ مالکان آبادی خود را به درون شورا نفرستند. این روستا فاقد مدرسه، راهنمایی است و دانش‌آموزان همه روزه مجبورند ۶ کیلومتر راه تا کوروزان را پیاده طی کنند. روستاییان دایار در انتظارند که هیئت هفت نفری هرچه زودتر به‌روستا بیاید و ریشه بزرگ‌مالکی را بطور کامل قطع کند.

روستایی دیگری از این روستا هم درباره ظلم و ستم بزرگ مالکی می‌گوید: "قبل از اینکه بزرگ مالک به زندان برود، مقداری از زمین‌هایش را به یک روستایی اهل این ده داد. این شخص سهم مالک را نمی‌دهد و به استخدام بسیج درمی‌آید. بزرگ مالک پس از آزادی از زندان جز سرپرست‌های بسیج می‌شود. در آنجا بزرگ مالک و پسرش این شخص را به این نماینده زمین‌های آن‌ها را به زور تصاحب کرده است، حسابی تنگ می‌زند. آن هم نه با دست خالی، بلکه با میله آهنی، بطوری

که رسید که به هر یک ۸۰ تا ۱۰۰ من تعلق گرفت. یکی از روستاییان درباره مکر و حیله بزرگ مالکان می‌گوید: "چند وقت پیش ۲۳ نفر از اهالی این روستا با سندسازی زنی یکی از مالکین به اتهام تصرف زمین‌ها به زندان می‌افتادند. در صورتی که طرف هیچ گونه حقی بر زمین‌ها نداشتند و اصل زمین‌ها از آن خود روستاییان بوده است. دادستان در این دعوا از دهقانان حمایت می‌کند و اعلام می‌دارد که اگر بمر یکی از این ۲۳ نفر بلای بیاید، پدر مالک را درمی‌آورد." عدالت در اینجا به وظیفه انقلابی خویش با سر بلندی عمل کرد. دهقان دیگری در مورد آمادگی روستاییان زحمتکش در دفاع از انقلاب و اعزام به جبهه و حمله تازه بزرگ مالکان می‌گوید:

او جرات هیچ اقدامی را ندارند. دهقانان مرفه، با بزرگ مالک بستگی و خویشاوندی دارند و اگر ما موری هم از شهر بیاید، آن‌ها اطرافش را می‌گیرند و نمی‌گذارند صدای ما به گوش آن‌ها برسد. بزرگ مالک دو ماه زندان بود. در این مدت اهالی تصمیم گرفتند زمین‌های وی را بین خود تقسیم کنند. با بیرون آمدن مالک‌ها از زندان، امید خوشنشین‌ها و کم زمین‌ها قطع شد. راستش آزادی مالکین بطور کلی روستاییان را دل‌سرد کرد. یکی دیگر از روستاییان اضافه می‌کند: "یکبار قبل از اینکه مهاجمین به دایار حمله کنند، این خبر را بزرگ مالک به مردم داد. دو روز بعد وی گفت که حمله نمی‌کنند. روز سوم مهاجمین در مانگا راه‌آبر - بی‌جی - ۷ بستند. در مانگا با خانه بزرگ مالک ۱۰ متر فاصله دارد. بزرگ مالک ۲۰ اسلحه داشت و دو سگ هم آن موقع دولت در اختیارش گذاشته بود، ولی هیچ اقدامی نکرد. مهاجمین به روستای سبز بلاغ و خوره زردی هم حمله کردند. بعد از زندان رفتن مالکان این هجوم‌ها قطع شد.

روستایی دیگری از این روستا هم درباره ظلم و ستم بزرگ مالکی می‌گوید: "قبل از اینکه بزرگ مالک به زندان برود، مقداری از زمین‌هایش را به یک روستایی اهل این ده داد. این شخص سهم مالک را نمی‌دهد و به استخدام بسیج درمی‌آید. بزرگ مالک پس از آزادی از زندان جز سرپرست‌های بسیج می‌شود. در آنجا بزرگ مالک و پسرش این شخص را به این نماینده زمین‌های آن‌ها را به زور تصاحب کرده است، حسابی تنگ می‌زند. آن هم نه با دست خالی، بلکه با میله آهنی، بطوری

در روستای "دایار"، اراضی بزرگ مالک هنوز به دهقانان واگذار نشده است. او جز چهار مته می‌است که روستاییان منطقه سنجایی علیه آن‌ها راهپیمایی کردند. روستاییان در انتظارند که این اراضی هر چه زودتر واگذار شوند. روستاییان آماداعزام به جبهه هستند، لیکن از وجود بزرگ مالکان در بسیج عشایری نگرانند.

روستای دایار در ۶ کیلومتری شمال غربی کوروزان، مرکز بخش سنجایی، از توابع اسلام آباد غرب است. دایار مرکب از سه آبادی به نام‌های سیاسی، اسدخانی و یابوری است. در این روستا ۸۰ خانوار زندگی می‌کنند، که از میان آنان ۲۱ خانوار خوشنشین و ۵۹ خانوار کم‌زمین هستند. بزرگ مالک دایاریکی از چهار مته می‌است که روستاییان سنجایی علیه او راهپیمایی کردند. این بزرگ مالک محکوم به زندان شد بعد از آزاد گردیدن. شخص مذکور در روستاهای تخت‌گاه، کجکینه، سفیدچیا، گلاره، ولی آباد، حسین‌خان و قیصوند هم زمین داشت، که در تمام روستاهای فوق اراضی متعلق به وی به روستاییان خوشنشین واگذار گردید. و تنها در روستای حسین‌خان ۴۰ هکتار زمین به بزرگ مالک رسید. اما در روستای دایار این بزرگ مالک ۲۹ هکتار زمین دارد، که هنوز دست نخورده مانده و واگذار نشده‌اند.

از اهالی دایار علت تاخیر در واگذاری اراضی بزرگ مالک به دهقانان تهنیدست را جویا می‌شویم. یکی از آنان می‌گوید: "دهقانان، که اکثرا بی زمین هستند، از ترس بزرگ مالک و اطرافیان

در روستای "گلاره" کیود "اراضی بزرگ مالک به دهقانان تهنیدست واگذار شده است. دهقانان این روستا آماداعزام به جبهه هستند و از اینکه بزرگ مالکان آن‌ها را برای شرکت در بسیج عشایری فراخوانده‌اند، بسیار ناراحت و نگرانند.

روستای گلاره کیود در ۸ کیلومتری واونسر - پایوه قرار گرفته است. (۶۴ خانوار ۲۲ خانوار خوشنشین) کل زمین بزرگ مالک ۶۰ عروار (۱۵۰ هکتار) است. این شخص در شهر نیز دارای منابع درآمد سرشاری است. از ۶۰ عروار زمین، ۵۰ عروار آن توسط هیئت هفت نفری و با حمایت و پشتیبانی خوشنشینان به دهقانانی تعلق گرفت که بزرگ مالک در گذشته زمین آن‌ها را غصب کرده بود و ۱۰ عروار باقیمانده نیز بین ۲۲ نفر خوشنشین تقسیم

پرسش از مسئولان متعهد وزارت کشاورزی

به این شکل و در این شرایط، بطور کلی سود بزرگ مالکان و منتفعین ده که منحصر برای بازار فروش تولیدی می‌کنند و سود واسطه‌ها تمام خواهد شد. یعنی آنچه که دولت محصول را بخرد، باز سود را زمینداران بزرگ و منتفعین ده خواهند بود. با در نظر گرفتن این واقعیت، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود، که تا بسته است پیرامون آنها آندپسند:

۱- توزیع آن محصولات کشاورزی، به این شکل و در این شرایط، بطور کلی سود بزرگ مالکان و منتفعین ده که منحصر برای بازار فروش تولیدی می‌کنند و سود واسطه‌ها تمام خواهد شد. یعنی آنچه که دولت محصول را بخرد، باز سود را زمینداران بزرگ و منتفعین ده خواهند بود. با در نظر گرفتن این واقعیت، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود، که تا بسته است پیرامون آنها آندپسند:

۱- توزیع آن محصولات کشاورزی، به این شکل و در این شرایط، بطور کلی سود بزرگ مالکان و منتفعین ده که منحصر برای بازار فروش تولیدی می‌کنند و سود واسطه‌ها تمام خواهد شد. یعنی آنچه که دولت محصول را بخرد، باز سود را زمینداران بزرگ و منتفعین ده خواهند بود. با در نظر گرفتن این واقعیت، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود، که تا بسته است پیرامون آنها آندپسند:

دهقانان! برای دفاع از میهن خود، زیر فرمان سپاه پاسداران مسلح شوید و آمادگی خود را برای شرکت در نبرد به نهادهای انقلابی اعلام کنید

اهالی روستای «رودبار سرای هشتر» طوالت صمیمانه از اقدامات پیگیرانه شرکت برق منطقه‌ای تشکر می‌کنند

دهقانان روستای رودبار سرای هشتر صمیمانه از شرکت برق منطقه‌ای تشکر می‌کنند و بدین مناسبت ابراز امید کرده‌اند که سایر ارگان‌های مسئول کنونی نیز در جهت خواست‌های محقول مردم، با کمک خود آن‌ها پیگیر باشند. دهقانان تاکید می‌کنند که در این موقع که ما سرگرم سردی آمان با امپریالیسم آمریکا هستیم، اگر بدین ترتیب عمل شود، علاوه بر رفع مشکلات مردم، بهانه‌ای به دست عناصر فرصت طلب و ضدانقلاب نخواهد افتاد.

اهالی این روستا مدتی قبل مادگی خود را برای همکاری با شرکت برق منطقه‌ای گیلان، برای رساندن برق اعلام کرده بودند، که این طلب در "نامه مردم" نیز در اسفندماه منعکس شد و به‌ویژه روی این واقفیت تاکید شد که اهالی ده متوجه شرایط حساس کشور هستند و به اولویت‌ها در سطح میهن برای مقابله با تجاوز آمریکایی صدام واقفند و برای جلوگیری از سرخی تحریکات چپ‌ناهما، آمادگی خود را برای همکاری اعلام می‌دارند، زیرا می‌دانند که حل این مسئله، دهقانان را به انقلاب و دستاوردهای آن امیدوار می‌سازد. یک هفته پس از اعلام آمادگی دهقانان، خوشبختانه مقامات مسئول، که خود را نسبت به انقلاب متعهد می‌دانند، به این ندری روستاییان پاسخ

پاسخ به چند پرسش

درباره هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

فروردین ماه ۶۰ در تهران هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل شد. خوانندگان گرامی استاد و منارک آرا در نامه مردمان خوانندگان ترویجی نیز سلسله مقالاتی در توضیح و تشریح برنامه حزب توده ایران - این سند اساسی حزب توده در نامه مردمان انتشار خواهد یافت.

لی مدنی که از انتشار نامه و اسناد هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی میگوید، یا عدم نیابت زینتی از دستور و اولاد حزب و خوانندگان نامه مردمان و حزب توده را دقیق از منای و اولاد پلنوم دانسته و با میسوزند که آن کلمه وسیع داخل رایش و سیاست و توسعه میکند که حرفه این مظهر و پرورش دهنده دیگر تئوریستهای حزب است. هفت دیران، برنامه و سیاست و تئوری که در اسناد پلنوم ذکر شده، توضیحی در نامه مردمان چاپ شود.

در اجابت این خواسته در زیر در آورده می شود از این مطلب توضیحی به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

علی (بدل) است که جانشینان شایسته و وارد تربیت شوند و در صورت لزوم ازین آنها برای عضویت در کمیته مرکزی و ادامه کاری در رهبری حزب، که اصل سازمانی بسیار مهمی است، افرادی انتخاب گردند. البته این بدان معنا نیست که همه اعضای مشاور حتما و خود بخود بدل به اعضای رسمی و کاملاً حقوق کمیته مرکزی خواهند شد؛ این بسته به شایستگی و فعالیت آنها و نیازهای سازمانی حزب است و به آن معنا نیست که عضو تازه کمیته مرکزی نمی تواند از بین سایر کادرها و فعالین، که مشاور کمیته مرکزی نیستند، برگزیده شود.

پس مجمع عمومی اعضای کمیته مرکزی و اعضای مشاور کمیته مرکزی را پلنوم میخوانیم.

عده اعضای کمیته مرکزی و مشاورین میتواند بسته به وضع حزب بسیار مختلف باشد. گاه ده بیست نفر بیشتر نیستند و حتی گاه کمتر از این و گاه چندین ده نفر و حتی چند صد نفر. در احزاب مختلفه در زمانهای مختلفه این ارقام متفاوت است.

جلسات عمومی یا پلنوم نیز در شرایط عادی و هنگامیکه مانی برای تشکیل آن نباشد، تعداد سالیکار، دیواره، سه بار تشکیل میشود، تا مسائل مهم را در حضور تمام اعضای رهبری به بحث گذارد و اصل رهبری جمعی راه که از اصول سازمانی میماند، عملاً اجرا کند. ولی البته این فواصل الزامی نیست. گاه در اساننامه های احزاب برآورد این فاصله قید یا توصیه میشود. برآورد شرایط دشوار فاصله ها می تواند طولانی تر شود و یا هر گاه مسائل حاد و فوری پیش آید که تبادل نظر کلیه اعضای رهبری را ضروری کند، میتواند در فواصل کثرتی تشکیل شود. هر گاه شرایط مساعد باشد و مشکلات ویژه ای درین برآورد وظیفه مسلم کمیته مرکزی است که بموقع و در فواصل کثرت پلنوم خود را تشکیل دهد.

ارگانهای خود را سفند و پس از تجزیه و تحلیل سیاست حزب و کشف نارسائیا و کمبودها، راههای رفع آنها و شیوه بهبود کار حزب راه، چه در سطح کشور و مسائل نهیست و چه در ذرون حزب و مسائل سازمانی، تعیین میکنند. پلنوم همچنین ارگانهای رهبری حزب را انتخاب میکند. معمولاً هیئت سیاسی و هیئت دبیران و دبیران اول - یا دبیر کل - از جانب پلنوم کمیته مرکزی انتخاب میشوند. اگر چه الزامی نیست که هر بار در پلنوم چنین انتخابی صورت گیرد. عرف معمول در احزابی که هر بار پلنوم خود را تشکیل میدهد اینست که، هر بار پس از تشکیل کنگره، در اولین پلنوم، هیئت سیاسی و هیئت دبیران و دبیر اول - یا دبیر کل - برگزیده میشوند و دیگر در هر پلنوم تجدید انتخابات بعمل نمی آید. مگر آنکه در موردی خاص تغییر در برکازی یا برکازی لازم آید. البته این حق همیشه برای پلنوم محفوظ است که هیئت سیاسی و هیئت دبیران و دبیر اول - یا دبیر کل - را انتخاب کند. در صورتیکه ضرورت سیاسی یا تکنیکالی مینماید اقتضا کند پلنوم از این حق استفاده میکند و ارگانهای خود را تجدید انتخاب میکند.

کمیته مرکزی برای انجام وظایف خود و رهبری کارهای حزبی مجموعه ای از ارگانهای محدودی و اجرائی ایجاد میکند. مهمترین آنها هیئت سیاسی است (که سابقاً مدتی آنرا هیئت اجرائیه هم مینامیدیم) و هیئت دبیران.

در اسناد پلنوم (وسیع) هفدهم گفته شد که این ارگانها و همچنین دبیر اول باتفاق آراء توسط پلنوم برگزیده شدند.

هیئت سیاسی در فاصله دو پلنوم کمیته مرکزی، رهبری فعالیت های سیاسی حزب را بر عهده دارد. هیئت سیاسی شعب مرکزی راه برای انجام وظایف مشخص در رشته های گوناگون و در زمینه های مختلفه تشکیل میدهد و مسئولین آنها را تعیین میکند. اقتضای هیئت تحریریه و نشریات ارگان را میکاره، فعالیت هیئت دبیران از زیر نظر میگیرد و خلاصه وظایف گوناگون و بر مسوولیت سیاسی - سازمانی - ایدئولوژیک دارد.

هیئت دبیران از گانی است تنظیم کننده و اداره کننده، که به علاوه موظف است وسایل اجرای تصمیمات تنظیم شده توسط پلنوم و هیئت سیاسی را نیز فراهم کند و شرایط مناسب را برای اجرای تمرین و کارهای این تصمیمات بوجود آورد. پیگیری برای اجرای وظایف هیئت دبیران است. که زیر نظر دبیر اول - یا دبیر کل - کار میکنند. دبیران اول - یا دبیر کل - علاوه بر وظایف و اختیارات مشخصی که طبق اساننامه دارد، هماهنگ کننده کارهای هیئت سیاسی و هیئت دبیران است.

طبق اساننامه حزب ماه، هیئت دبیران از بین اعضای هیئت سیاسی انتخاب میشود. در برخی احزاب برآورد، الزاماً اعضای هیئت دبیران از اعضای هیئت سیاسی هستند، اگر چه اکثریت آنان اعضای هیئت سیاسی هستند.

برنامه حزب نیز عبارتست از سند اساسی یک حزب سیاسی، که در آن هدفها و وظایف، مسائل عمده، مسوولیت و راه حل های پیشنهادی و نظریات حزب قید میگردد. چنین سندی قانون اساسی حزب است و هر عضو حزبی یا قبول آن عضویت را میبذیرد و برای تحقق بخشیدن به آن فعالیت میکند.

اساننامه نیز عبارتست از سند اصلی سازمانی و مجموعه موازینی که بر زندگی درونی حزب حکمفرماست و مقررات و قواعدی که باید رعایت شود. در اساننامه و وسایل کار سازمانهای حزبی و نحوه تشکیل ارگانها و رهبری آن و چگونگی تشکیل کنگره ها و پلنومها و جلسات و حوزها و غیره تشریح میشود.

سیاسی - اجتماعی از تشریحات حزب توده ایران - چاپ اول ۱۳۵۰ - چاپ پنجم ۵۹، صفحات ۲۹ تا ۸۳ مراجعه کرد.

پلنوم میتواند مسایل عمومی کشور و حزب را بررسی کند و یک گزارش عمومی را استماع کند و تا کنگره بعدی تغییرات ضروری را در برنامه یا اساننامه یا ترکیب رهبری، از طریق برگزینی بوجود آورد. گاه پلنوم میتواند برای موضوعهای ویژه ای تشکیل شود که رهبری حزب بحث جداگانه آنرا ضروری بداند. مثلاً در دستور کار پلنوم مسئله ملی، یا مسئله وحدت سازمانی، یا مسئله کشاورزی، یا مسائل ایدئولوژیک و غیره قرار گیرد. در اینصورت دیگر تنها آن مسئله ویژه مطرح است نه کلیه مسائل عمومی کشور و حزب. احزابی که در حکومت هستند و نیروی رهبری کننده کشورهای سوسیالیستی را تشکیل میدهند، از این نوع پلنومها، که موضوع و مسوول ویژه دارند، زیادتری گواز میکنند. اگر چه در احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری نیز چنین پلنومهایی، مثلاً برای قسط بحث درباره نحوه کار در بین روشنفکران، قسط بحث درباره مسئله سیاست خارجی و حفظ صلح و حزب، احزابی که در حکومت هستند و پیشنهاد نامزدها و غیره تشکیل میشود.

گاه این یا آن پلنوم اهمیت ویژه ای در حیات حزبی می یابد و تصمیمات مهمی در آن، بعلت شرایط خاص و حساسیت، لحظه، اتخاذ میشود که در واقع پیش ازیک تبادل نظر همه اعضای رهبری است و لذا تصمیم مربوطه ارزش تاریخی پیدا میکند. در تاریخ بسیاری از احزاب برآورد چنین پلنومهایی بوده است.

رهبری حزب، گاه برای آنکه مسائل مهمی در دستور روز است و نیاز به تبادل نظر یا عدم بیشتری

از فعالین و کادرها دارد، یا میخواهد آنها را بیشتر و وسیعتر با مسوولان خود مستقیماً آشنا کند و بهتر سیاست عملی حزب را به پیشبرد، علاوه بر اعضای کمیته مرکزی و مشاورین، از یک سده از کادرهای بالا و فعالین برجسته یا مسئولین محلی و یا متخصصین مسائل ویژه (آنتنگام) که پلنوم یک مسئله ویژه را بررسی کند، دعوت میکند تا، بعنوان میهمان، در جلسه عمومی (پلنوم) شرکت کنند. گزارشها را بشنوند و در بعضیها شرکت کنند. بدون آنکه خود حق رای داشته باشند. چنین مجمع عمومی کمیته مرکزی را با شرکت مسئولان و کادرها و فعالین دعوت شده، پلنوم وسیع میخوانند. چون این پلنوم از نظر شرکت کنندگان با پلنوم عادی فرق دارد و وسیعتر از آن است. واژه وسیع در پراست اضافه میشود.

فرق پلنوم با کنگره بویژه در اینست که، از جانب کلیه اعضای حزب، که در سازمانهای محلی (استانها و شهرستانها) متشکل شده اند، نمایندگانی انتخاب و به کنگره فرستاده میشوند. البته دامنه اختیارات و صلاحیت کنگره، بنابر مصراحت اساننامه، بسیار وسیع است. کنگره عالی ترین مرجع حزبی است و همه مسائل حزبی را مورد بحث قرار میدهد و در همه موارد حق تصمیم گیری دارد و در آن به مسئولترین و مهم ترین مسائل حزبی میباید تصمیم گرفته شود. نمایندگان کنگره فقط برای مدت تشکیل کنگره اعتبارنامه دارند و در این مدت تمام نظریات و عقاید خود را در کلیه زمینه ها بیان میکنند و بیانگر نظر و عقیده اعضای حزب، که آنها را انتخاب کرده و به کنگره فرستاده اند، میشوند. البته اعضای حزب به علاوه میتوانند مستقیماً نیز به کنگره مراجعه کنند و نظریات خود را کتبی یا آن بدهند.

برای تشکیل یک کنگره معمولاً از قبل جلسات برای بررسی و درون حزب تشکیل میشود و اسناد به نظر خواهی عمومی گذاشته میشود و حاصل بحثها در تصمیمات کنگره در نظر گرفته میشود. در احزاب های حزبی در سطح شهرستانها و در سطح استانها یا تشکیل کنفرانسهای تدارکی، نمایندگان را که میخواهند به کنگره بفرستند، انتخاب میکنند.

در کنفرانس حزبی نیز، که معمولاً درباره مسائل گرمی و مهم تشکیل میشود (گاه با حق اخذ تصمیم و گاه بصری صورت) هم نمایندگان سازمانها و واحدهای حزبی، انتخاب شده و فرستاده میشوند و هم کادرها و مسئولان دعوت میشوند. نمایندگان کنفرانس، برعکس کنگره، از طریق انتخابات عمومی در سراسر حزب، از این تا بالا، برگزیده نمیشوند، بلکه معمولاً سازمان حزبی شهرستان یا استان مربوط نمایندگانی را به کنفرانس میفرستد.

در تاریخ حزب توده ایران پلنومهای وسیع و تنگ مسمی برای برگزین جای خالی کنگره ها و کنفرانسها ایفا کرده اند. پلنومهای وسیع چهارم (۱۳۳۹) و هفتم (۱۳۴۹)، در واقع حکم کنفرانس سراسر کشور را داشتند و در آنها از واحدهای مختلف حزبی نمایندگانی شرکت کردند.

پلنوم کمیته مرکزی علاوه بر اعضای رسمی خود، دارای اعضای مشاور یا نامزد کمیته مرکزی است، که در سابق به آنها اعضای علی البدل میگفتند. این عده، که در کنگره قبلی انتخاب شده یا در پلنومهای قبلی برگزینی شده اند و بخشی از رهبری حزب را تشکیل میدهند، در پلنومهای کمیته مرکزی شرکت میکنند و نظریات و دلای آنها را به شورای مرکزی وارد و تعیین کننده نیست. وجود اعضای مشاور (یا نامزد یا علی البدل) به دو علت لازم است: یکی اینکه تعداد هر چه بیشتری از کادرها و فعالین درجه اول حزب بدون قیود حزبی میگرد آید و در جریان امور رهبری قرار داشته باشند و تجربیات را فرایگیرند؛ از افراد با سابقه بیاموزند و با ارائه نظریات و پیشنهادها، تصمیمات کمیته مرکزی را غنی تر سازند و کار رهبری را تسکین کنند و به کمک سراسر دوزن حزبی، که از اصول کار و فعالیت حزب طراز تونین طبقه کارگر است، بنویسند و یاری رسانند. علت دوم وجود اعضای مشاور (نامزد یا

واژه پلنوم بمعنای مجمع همگانی یا مجمع عمومی است و از ریشه لاتینی آمده و در زبانهای مختلف دنیا مرسوم شده است. هنگامیکه همه اعضای یک ارگان یا گروه رهبری تشکیل داده یا جمعی گروه می آیند تا درباره مسائل مورد نظر بحث کنند و در حیطه صلاحیت خویش اقتضای تصمیم کنند آن مجمع را پلنوم میخوانیم. مثلاً در سازمان ملل متحد، هنگامیکه کلیه کشورهای عضو در جلسه عمومی گرد می آیند آن جلسه را پلنوم یا مجمع عمومی می نامند. همین اعضا در کمیسیونهای مختلف نیز، که در اساننامه سازمان ملل متحدین تعیین شده، گرد می آیند ولی سالیکار، در پایان تابستان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد یا پلنوم آن تشکیل میشود و البته گاه - هر وقت ضرورتی اقتضا کند - برای مسائل خاص پلنوم فوق العاده یا مجمع عمومی فوق العاده (یعنوان مثال برای بحث درباره مسئله خلع سلاح یا مسوولیت فلسطین و غیره) تشکیل میشود. مثال دیگر: در سازمانهای اداری و تعاونی و مالی و غیره هم میباید رهبری یا شورای نمایندگانی وجود دارد که از گانی برتی است و مدیریت واحد مربوطه را بر عهده دارد. این ارگان وقتیکه جلسه عمومی تشکیل میدهد، آنرا پلنوم یا مجمع عمومی میخوانند. در احزاب سیاسی پلنوم یعنی جلسه عمومی ارگان رهبری کننده آن و هنگامی که کمیته مرکزی، یعنی افراد عضو رهبری حزب (همه آنها یا اکثریتی که مطابق با موازین اساننامه ای جلسه میتواند رسمیت پیدا کند)، گرد می آیند، پلنوم تشکیل میشود. البته کمیته حزبی استان یا کمیته حزبی شهرستان نیز میتواند در همان سطح خود پلنوم کمیته استان یا پلنوم کمیته شهرستان را تشکیل دهد.

با دقت مترجه آند که، چگونه این کشورها رشد می یابند و تیار آنها را می آموزند. به همین علت، گزینش راه پیشرفت اجتماعی آینده خلق های که در گذشته زیر اسارت بسودمانه، سرنوشته تاریخی آنان و به طور کلی استحکام مواضع فکری امپریالیستی، به مقیاس جهانی، به درجعات زیادی به پیشرفت موفقیت آمیز این کشورها بستگی دارد.

از سخنانی که گفته شده، میتوان چنین نتیجه گیری کرد:

۱- برای تأمین صلح و ترقیات اجتماعی، تشریک مساعی و حسن تقاضا متقابل میان نیروهای سوسیالیسم، جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری و نیروهای رهبری بخش ملسی ضرور است. تشریک مساعی آنان در امر

چاپ جدید تقویم سال نو

اینا خواهد کرد ما به این مطلب ایمان داریم که نیروهای ارتجاع، میلیتاریستی و غارتگران استعماری، هر قدر هم به تلاش و تب و تاب بینند، امر آزادی و ترقیات اجتماعی خلقها جدائی ناپذیرند. به هم پیوستگی سوسیالیسم جهانی، جنبش کارگری جهانی، نیروهای رهبری بخش ملی و ترقیه ییروزی نهایی این امر است.

۱۳۶۰ بزودی منتشر میشود

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

اینا خواهد کرد ما به این مطلب ایمان داریم که نیروهای ارتجاع، میلیتاریستی و غارتگران استعماری، هر قدر هم به تلاش و تب و تاب بینند، امر آزادی و ترقیات اجتماعی خلقها جدائی ناپذیرند. به هم پیوستگی سوسیالیسم جهانی، جنبش کارگری جهانی، نیروهای رهبری بخش ملی و ترقیه ییروزی نهایی این امر است.

امر آزادی و...

باید مترجه آند که، چگونه این کشورها رشد می یابند و تیار آنها را می آموزند. به همین علت، گزینش راه پیشرفت اجتماعی آینده خلق های که در گذشته زیر اسارت بسودمانه، سرنوشته تاریخی آنان و به طور کلی استحکام مواضع فکری امپریالیستی، به مقیاس جهانی، به درجعات زیادی به پیشرفت موفقیت آمیز این کشورها بستگی دارد.

از سخنانی که گفته شده، میتوان چنین نتیجه گیری کرد:

۱- برای تأمین صلح و ترقیات اجتماعی، تشریک مساعی و حسن تقاضا متقابل میان نیروهای سوسیالیسم، جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری و نیروهای رهبری بخش ملسی ضرور است. تشریک مساعی آنان در امر

امر آزادی و...

باید مترجه آند که، چگونه این کشورها رشد می یابند و تیار آنها را می آموزند. به همین علت، گزینش راه پیشرفت اجتماعی آینده خلق های که در گذشته زیر اسارت بسودمانه، سرنوشته تاریخی آنان و به طور کلی استحکام مواضع فکری امپریالیستی، به مقیاس جهانی، به درجعات زیادی به پیشرفت موفقیت آمیز این کشورها بستگی دارد.

از سخنانی که گفته شده، میتوان چنین نتیجه گیری کرد:

۱- برای تأمین صلح و ترقیات اجتماعی، تشریک مساعی و حسن تقاضا متقابل میان نیروهای سوسیالیسم، جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری و نیروهای رهبری بخش ملسی ضرور است. تشریک مساعی آنان در امر

اعلامیه دو تن از مسئولان حزب دمکرات کردستان ایران (گروه قاسملو):

هیچ چیز خطرناکتر از فریب توده‌ها نیست

عبدالرحمن کریمی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (گروه قاسملو) و مسئول سیاسی و نظامی منطقه قره‌گور و مرگور، و رحمان بیرونی عضو کادر سیاسی و نظامی حزب دمکرات در منطقه پیرانشهر و اشنویه، در تاریخ ۲۴ اسفند ۵۹، طی اعلامیه‌ای خطاب به مردم پیرانشهر، اشنویه، قلعه و ترگور و مرگور، باردیکریه از خیانتها و جنایت‌های یانک قاسملو برداشتند. در این اعلامیه خطاب به مردم مبارز پیرانشهر، اشنویه، قلعه، ترگور و مرگور، از جمله آمده است:

چنانچه خیانت و جنایت که مرکب از موشی ماموران سیا و ناتو، نوکران رژیم جنایتکاریمت، افسران طاقوتی و زمینداران منطقه هستند، از هیچگونه تلاش ناجوانمردانه بر علیه نیروهای مترقی، انسانهای صادق و بیرو پرنامه حزب روگردان نیستند و علیرغم چالاکت‌ها و رعب و وحشت به شیوه ساراک و شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی مشغول هستند و هیچ تمهت و برجسب ناروایی نمانده است که بر ما وفاداران به موشی مستی و امیل حزب نزنند. این مزدوران پست و ناتو در منطقه با تحریک عناصر ناآگاه کوشیده و می‌کوشند تا اعضای صادق حزب و پیشمرگان آگاه را با یازی خوردگان رود رو قرار دهند و درگیر سازند تا با ایجاد بلوا و خون‌ریزی هم اوامر اربابان پستی را اجرا کرده و هم مدتی دیگر به عمر ننگین چماق و سر نیزه خود ادامه دهند.

راه مبارزه حزب قطع کامل نفوذ امپریالیزم، بویژه امپریالیزم تبهکار آمریکایا، در تمام زمینها از میهن انقلابی است، نه رام‌اجنبی نفوذ امپریالیزم و ضدانقلاب دست‌نخورده‌اش در میهنان. خلق کرد چه می‌گویند؟ پیشمرگان مبارز و آگاه چه می‌گویند؟ می‌گویند: راه مبارزه خلق کرد راه پیوندی و همسنگری با دیگر خلقهای ایران است، نه راه جدایی و تفرقه و نفاق، نه راه سوختن خانه و کاشانه خلق برادر آزادی. مبارزین واقعی، دمکراتهای راستین چه می‌گویند؟ می‌گویند: موشی حزب ما تشکیل جبهه و مهاجرتی و وحدت با نیروهای مترقی و

شادباش سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان به مناسبت برگزاری پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان به مناسبت برگزاری پلنوم هفتم (وسیع) کمیته مرکزی، پیام شادباشی به کمیته مرکزی حزب فرستاده است. در این پیام چنین آمده است:

دردهای گرم و رزجویانه ما را به مناسبت برگزاری پلنوم هفتم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران پذیرید. رزقا! در زمانی که خلقهای ایران دوران تاریخی سرخ‌نوشته سازی را در زندگی خود میگذرانند، بیگمان مسوولان پلنوم هفتم (وسیع) مرحله غیوثی را در مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان راهگشا است.

ما بخود مینالیم که در دامان حزبی پرورش یافته و هریابیم که ادامه‌دهنده راه اوانی است و چهل سال است که برای استقلال، آزادی و دگرگونی بنیادی جامعه ایران مبارزه کرده و می‌کند و به حق حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران نام گرفته است.

با اعضاء و هواداران حزب توده ایران در خوزستان عهد می‌بندیم که با ایمانی راسخ بتوانیم در مبارزات خود ناپذیر حیزمان به خاطر تقییت، تحکیم و گسترش انقلاب بزرگ مردم ایران به رهبری امام خمینی، سهم خود را به طور شایسته ادا کنیم.

زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران! یابداریاد هیبتگی کارگران و زحمتکشان ایران با حزب توده ایران!

۲۷ راز ۶۰

انقلابی است، نه راه همسنگری و متحدشدن با ضدانقلاب، لیرالبار ماتویستیهای مطرود. اسلستانه حزب نظامنامه داخلی است و اجازه ورود شیکه افسران طاقوتی و همکاران بختیار و اویسرو قنولالها و زمینداران بزرگ - مزدوران پست‌مترق و سلاواکیها به حزب را نمی‌دهد. اسنا اینک مهترین پستهای خسام به دوستان ناتو و همکاران رژیم جنایتکار پست عراق و افسران وابسته به بختیار و اویسی و سلاواکیها واگذار شده است.

مبارزین وفادار به راه قاضی‌محمدها، یوسف‌ها، آواره‌ها، معین‌ها و شریف‌زاده‌ها چه می‌گویند؟ می‌گویند: باید از اصول و انقیاب مبارزه آموخت و از تجارب تلخ مبارزات ملت‌ها بویژه جنبش کردستان عراق درس عبرت گرفت و از وابستگی به دولتهای امپریالیستی و مرتجعین منطقه چون رژیم جنایتکار صدامی نه‌تپا برهیز کرد، بلکه باید در راه مبارزه بر علیه متجاوزین به خاک میسین یا تمام قدرت جانفشانای کرد. اینک تمام اسلحه و مهمات و دینار و وسایل عیش و نوش این خاتین به حزب و خلق کرد و انقلاب ایران از رژیم قاضیستی عراق در حالی دریافت می‌شود که با توپخانه و موشکهای ۹ متری رژیم صدام هم‌میهنان ما را در جنوب و جنوب‌غربی کشور عزیزمان ایران در خون غلطانده و خانه‌های مسکونی و عماره حیات اجتماعی و اقتصادی ما را مورد ناچوانمردانه‌ترین حملات خود قرار داده است.

با اتحاد و یگانگی صفوف خود را فشرده‌تر مبارزید و برای طرد کامل متخرفین بکوشید. همه با هم در راه قطع کامل نفوذ امپریالیزم بسر کردگی امپریالیزم آمریکا و برای دفع تجاوزات رژیم جنایتکار صدامی و برجیدن بساط ضدانقلاب و برای گسترش صت‌آوردهای انقلاب و تحقق خواسته‌های برحق خلق کرد به مبارزه اصولی خود ادامه دهید.

این‌دیرا گاندی نسبت به افزایش خطر جنگ هشدار داد

یانو این‌دیرا گاندی نخست‌وزیر هند، ضمن بیاناتی در بمبئی، بمناسبت تشدید تشنج در جهان اظهار نگرانی کرد و گفت: در حال حاضر خطر بروز جنگ جدید افزایش یافته است. وی افزود که هند سیاست عدم تعهد را برگزیده تا یک کاهش اختلافات و تصادمات در جهان کمک کند.

نخست‌وزیر هند با اشاره به مسائل منطقه گفت: «پاکستان خط مشی عدم تعهد را زیر پا می‌گذارد»

او گفت که هند از تحویل تسلیحات آمریکایی به پاکستان نگران و مضطرب است.

تجاوز وحشیانه اسرائیل به جنوب لبنان

شقیق‌وزان نخست‌وزیر لبنان، گلوله‌باران بندر صیدا در جنوب لبنان را توسط توپخانه ارتش اسرائیل و راست‌گرایان مسلح، تجاوز وحشیانه خواند. در جریان عملیات مزبور، بیست تن از اهالی جنوب لبنان کشته و بیش از ۳۰ تن زخمی شدند. در این حملات خسارات مالی فراوانی به بندر صیدا وارد شد. اسرائیل مدعی است با استفاده از گروه‌های راست‌گرای مسیحی، دامنه‌های خود را در جنوب لبنان افزایش داده است.



موج اعتراض به اشغال ایرلند توسط انگلیس

در دبری، یکی از شهرهای ایرلند شمالی، یک ماشین ارتش انگلیسی به میان ظاهرکنندگان رفت و باعث کشته شدن دو نفر و مجروح شدن چند نفر گردید. این تظاهرات به تشنه اعلام هیبتگی با زندانیانی که در انگلستان بسر می‌برند، برپا شده بود. زندانیان مزبور از مقامات انگلیسی خواسته‌اند که با آنان مانند زندانی سیاسی رفتار شود. همچنین در شهر بلنست و دیگر شهرهای ایرلند شمالی نیز تظاهراتی بمناسبت اشغال ایرلند توسط انگلیس صورت گرفت.

آمریکا در دیه‌گو کارسیا کلاک هسته‌ای مستقر میکند

روزنامه پری‌پرس چاپ فئا، با استناد به منابع مطلع خبر داد که آمریکا بطور مخفیانه سلاح هسته‌ای در جزیره دیه‌گو کارسیا در اقیانوس هند مستقر می‌کند. طبق گزارش این روزنامه، تا کنون ۱۹ کلاک هسته‌ای به این پایگاه آمریکائی منتقل شده است.

● در چنین شرایطی، ماجرای تصادم زیردریایی آتس آمریکا با یک کشتی ژاپنی، که به غرق این کشتی منجر شده اعتراضات وسیعی را در ژاپن برانگیخته است، زیردریایی آمریکائی پس از تصادم با کشتی ژاپنی، آنرا به حال خود گذاشت. تاخدا و معاون کشتی غرق شدند و کارکنان کشتی، تنها پس از ۱۸ ساعت نجات داده شدند. روزنامه آکاهابا چاپ ژاپن، نوشت که مردم ژاپن منتظر رسیدگی دقیق به این حادثه هستند و از خطری که رفت و آمد ناشی از زیردریایی‌های آمریکا در نزدیکی سواحل ژاپن برای این کشور دیدند می‌آورند. نگران‌اند.

منگس‌مرین در روز ملی کامپوچیا گفت: موفقیت‌های خلق کامپوچیا با کمک‌های کشورهای سوسیالیستی ارتباط ناگسستی دارد

به مناسبت روز ملی کامپوچیا، اجتماع عظیمی با شرکت همگام‌مرین رئیس‌شورای انقلابی کشور دیرنوبین برگزار شد. منگس‌مرین در این مراسم ضمن سخنرانی تأکید کرد که مردم کامپوچیا در مدت کوتاهی به دسترس دولت دارو دسته یلوت موفقیت‌های قابل‌ملاحظه‌ای بدست آورده‌اند. او افزود: «این موفقیت‌ها با کمک‌های بی‌شائبه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ارتباط ناگسستی دارد.»

اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح در هاوانا

۲۵۰ نماینده از ۲۰ کشور و بیش از ۲۰ سازمان بین‌المللی برای شرکت در اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح وارد حملات ناچوانمردانه تلفات‌جانی و خسارات مالی نیز بیار آورد.

در منطقه خوزین شهر مبادله آتس بین نیروهای ما و متجاوزان ادامه داشت و ضایعات و تلفاتی به دشمن وارد آمد که آمار دقیق آن در دست نیست. در اثر اجرای آتس توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر روی مواضع دشمن در منطقه واسلیه یک نفر و یک تیربار منهدم و چهارتن کشته شدند.

بعد از دیدار با تاجر: خانم گاندی نگرانی خود را از امتراتژی نظامی غرب در منطقه اعلام کرد

مادگارت تاجر، نخست‌وزیر انگلستان در جریان دیدار خود از هند در یک کنفرانس مطبوعاتی اعتراف کرد که این کشور با هند در زمینه مسائل کلیدی بین‌المللی اختلاف نظر دارد. نخست‌وزیر انگلستان در این صحابه ضمن تأیید پشتیبانی انگلستان از تصمیم آمریکا در مورد تحویل مقادری از اسلحه به پاکستان خاطر نشان ساخت که این کشور در عملیات نیروهای واکتس سریع آمریکائیک شرکت می‌کند.

به گزارش خبرگزاریها خانم گاندی نخست‌وزیر هند پس از مذاکرات خود با خانم تاجر نگرانی جدی خود را از امتراتژی نظامی غرب در آن منطقه ابراز داشت.

انبار بزرگ...

سنگین خود قرار دادند و مواضع آنان را بشدت دردم کوبیدند. شهرستانهای ماهوز و آبادان مجدداً هدف آتس توپخانه و سلاحهای سنگین دشمن واقع شد. این حملات ناچوانمردانه تلفات‌جانی و خسارات مالی نیز بیار آورد. در منطقه خوزین شهر مبادله آتس بین نیروهای ما و متجاوزان ادامه داشت و ضایعات و تلفاتی به دشمن وارد آمد که آمار دقیق آن در دست نیست. در اثر اجرای آتس توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر روی مواضع دشمن در منطقه واسلیه یک نفر و یک تیربار منهدم و چهارتن کشته شدند.

جبهه‌های غرب در طول جبهه‌های غرب یگانگیهای زمنده ماهوشیاری کامل همچنان مراقب حرکات دشمن بودند و با برتری آتس استحکامات و محل استقرار متجاوزان را هدف قرار داده تلفات و خسارات متمادی به قوای عراقی وارد آوردند. در جبهه مهران یک انبار بزرگ سیمات ارتش عراق در نتیجه اجرای دقیق آتس توپخانه ما به آتس کشیده شد و متفجر گردید. در این عملیات تلفات انسانی نیز به متجاوزان وارد آمد. نسبتاً چند فروند میگ متجاوز عراقی که در آسمان ۳ شهر غربی کشور ظاهر شده بودند با تیراندازی بموقع یگانگی‌یافته‌اند زمین به‌هم‌ام‌ج‌بور به فرار شدند.

برای گزارش رسیده در روز بیست‌وششم فروردین ماه جاری در جبهه‌های جنوب و غرب کشور دو تن از زمندگان قهرمان ماچمن نیروی دریایی و ژاندارامی جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسیدند.

پتیه از صفحه ۶
ملاحظه‌ای به افراد ارتش تجاوزگر عراق وارد شد. در جبهه‌های جنوب و غرب کشور، متجاوزان با ادوات زرهی و نفرات دشمن را زیر آتس سلاحهای

نامه مردم

زبان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بیرونی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دکتر) دامه مردم
هنوز در اختیار
«نامه مردم نیست»
چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM

No. 492
21 April 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 3 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی مقاله مردم و همه مناسبات دولتی و غیردولتی می‌توانند به آدرس زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران